

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد

ضمیمه فصل چهارم

مندرج در دفتر اول جلد دوم

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد

سازمان مارکسیستی – لنینیستی توفان

و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

(اتحادیه ملی)

۱ فروردین ۱۴۰۴ مطابق ۲۱ مارس ۲۰۲۵

حزب کار ایران (توفان)

سازمان مارکسیستی-لنینیستی توفان و کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی (اتحادیه ملی)

انتشارات: از انتشارات حزب کار ایران (توفان)

عنوان کتاب: توفان و کنفدراسیون جهانی

مندرجات: یک بررسی تاریخی از دیدگاه‌ها و مبارزه سیاسی در درون کنفدراسیون جهانی

ایمیل: toufan@toufan.org

تارنما: www.toufan.org و www.toufan.de

آدرس: Postfach 1138, 64526 moerfeld-waldorf



PLI (Toufan)

فهرست

- دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم ۱
- سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم ۲
- متن نامه کمیته دانشجویان دانشگاه تهران به سازمان بین‌المللی دانشجویان ۲
- سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم ۴
- منشور کنفرانس بین‌المللی دانشجویان مصوب یازدهمین کنفرانس منعقد در کرایت چرج زلاند جدید ۴
- سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم ۱۹
- مصوبات ششمین کنگره کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی دوم تا هفتم ژانویه ۱۹۶۷ ۱۹
- سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم ۳۰
- متن سخنرانی هیات نمایندگی کنفدراسیون در دفاع از قطعنامه کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ۳۰
- کنگره نهم اتحادیه بین‌المللی دانشجویان در شهر اولان باتور پایتخت مغولستان در سال ۱۹۶۷ برگزار شد ۳۰
- سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم ۴۴
- نظر سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان در مورد "آی. یو. اس." پس از سقوط آنها به دامن رویزیونیسم شوروی ۴۴
- بخشنامه داخلی در مورد تدارک کنگره نهم و نظریات ما در مورد کنفدراسیون جهانی ۴۴

توفان و کنفدراسیون جهانی

دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم

مندرج در دفتر نخست جلد دوم

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم

مندرج در بخش: (کنگره پنجم کنفدراسیون جهانی در شهر اشتوتگارت آلمان غربی و مسئله عضویت در کنفرانس بین‌المللی دانشجویان "کوسیک")

متن نامه کمیته دانشجویان دانشگاه تهران به سازمان بین‌المللی دانشجویان

صفحه ۲

متن نامه کمیته دانشجویان دانشگاه تهران به سازمان بین‌المللی دانشجویان

۱۶ آوریل ۱۹۶۳

وسیله هیات دبیران کنگره راسیون دانشجویان ایرانی
سازمان بین‌المللی دانشجویان

دوستان عزیز

در لحظاتی حساس و خطیر با شما سخن می‌گوئیم، در لحظاتی دشوار و سخت از شما کمک می‌طلبیم. اکنون که این نامه را شما می‌نویسیم، روزی است که عدالت‌ها تن از استادان و دانشجویان و رهبران و اعضای جبهه ملی ایران در زندانهای حکومت شاه دست‌باعتصاب‌غذای نام‌دود زندان‌ها و نمایندگان دانشجویان دانشگاه تهران، دانشمندی عالی و دانشکده صنعتی مسمد، برای ابراز پشتیبانی با زندانیان اعتصابی از فردا صبح (۱۰ آوریل) دست‌باعتصاب‌غذای نام‌دود بزنند. گناه زندانیان ما این است که تنها با حکم وظیفه ملی، تجاوزات حیات‌حاکمه را بگوش‌جهانیان رسانند و با شعار "اصلاحات ارضی بای دیکتاتوری شاه نه" مانور ریاکارانه شاه را در رفرا ندیم قذبحی بر ملا گردانند و با رسوائی‌های مواجهه ساختند. اکنون عزیزان ما در درون سیاه‌چالهای زندان برای، اعتراض به بازداشت غیرقانونی، خود و برای اعتراض به تجاوزات شاه و حیات‌حاکمه به حقوق ملت ایران مصرح در قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر مبادرت با اعتصاب‌غذا کردند و اعلام نمودند که تا پای مرگ هم با اعتصاب‌غذای خود ادامه خواهند داد.

دوستان عزیز، اکنون پس از اخراج گروهی از دانشجویان از دانشگاه تهران و زندانی کردن عدالت‌ها استاد و دانشجو و مله چاقو کشان و مامورین سازمان امنیت و چتر بازان بد دانشگاه تهران، در مقابل و ضمیمه دشوار و خطرناکی قرار گرفته ایم.

دوستان عزیز، در این ساعات پر مسئولیت با ایمان به حقانیت مبارزه خود و با ایمان به اینکه شما و نیم‌دشوار ما را به‌ویزی درک می‌کنید از شما تقاضای کم، فوری می‌کنیم؛ از شما می‌خواهیم که افکار عمومی جهان را نسبت به آنچه رژیم دیکتاتوری شاه انجام می‌دهد آگاه گردانید و جهان را از خطری که جان بدما تن از بهترین فرزندان میهن ما را تهدید می‌کند با خبر سازید. از تمام سازمانهای بین‌المللی برای افعال فشار بحکومت ایران بخاطر آزادی زندانیان ما کمک بطلبید.

دوستان عزیز، در این لحظات اضطراب‌آور که بیم مرگ گروزی از عزیزان ما در زندانهای شاه می‌رود ما را تنها نگذارید. چشم ما بحکومت فوری شما دوخته شده است. با تمام قوا به حمایت از ما برخیزید بگذارید که حمایت وسیع شما از دلیران ما در زندان میهن، پیوستگی عمیق جنبش دانشجویی سراسر گیتی باشد.

سازمان دانشجویان دانشگاه تهران وابسته به جبهه ملی

ایران - کمیته دانشجویان

سند شماره ۱ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم

مندرج در بخش: (کنگره پنجم کنفدراسیون جهانی در شهر اشتوتگارت آلمان غربی و مسئله عضویت در کنفرانس بین‌المللی دانشجویان "کوبیک")

متن نامه کمیته دانشجویان دانشگاه تهران به سازمان بین‌المللی دانشجویان

صفحه ۲

متن نامه کمیته دانشجویان دانشگاه تهران به سازمان بین‌المللی دانشجویان

آوریل ۱۹۶۳

وسیله هیات دبیران کنفدراسیون دانشجویان ایرانی

به سازمان بین‌المللی دانشجویان

دوستان عزیز

در لحظاتی حساس و خطیر با شما سخن می‌گوئیم، در لحظاتی دشوار و سخت از شما کمک می‌طلبیم. اکنون که این نامه را به شما می‌نویسم دو روز است که صدها تن از استادان و دانشجویان و رهبران و اعضای جبهه ملی ایران در زندان‌های حکومت شاه دست به اعتصاب غذای نامحدود زده‌اند و نمایندگان دانشجویان دانشگاه تهران، دانشسرای عالی و دانشکده صنعتی مصمم‌اند برای ابراز پشتیبانی با زندانیان اعتصابی از فردا صبح (۱۰ آوریل) دست به اعتصاب غذای نامحدود بزنند. گناه زندانیان ما این است که تنها به حکم وظیفه ملی، تجاوزات هیات حاکمه را به گوش جهانیان رسانند و با شعار "اصلاحات ارضی بلی دیکتاتور شاه نه" مانور ریاکارانه شاه را در رفراندوم قلابی برملا کردند و با رسوائی مواجه ساختند.

اکنون عزیزان ما در درون سیاه‌چال‌های زندان برای اعتراض به بازداشت غیرقانونی خود و برای اعتراض به تجاوزات شاه و هیات حاکمه به حقوق ملت ایران مصرح در قانون اساسی ایران و اعلامیه جهانی حقوق بشر مبادرت به اعتصاب غذا کردند و اعلام نمودند که تا پای مرگ هم به اعتصاب غذای خود ادامه خواهند داد.

دوستان عزیز، اکنون پس از اخراج گروهی از دانشجویان از دانشگاه تهران و زندانی کردن دهها استاد و دانشجو و حمله چاقوکشان و مامورین سازمان امنیت و چتربازان به دانشگاه تهران، در مقابل وضع دشوار و خطرناکی قرار گرفته‌ایم.

دوستان عزیز، در این ساعات پرمسئولیت با ایمان به حقانیت مبارزه خود و با ایمان به اینکه شما وضع دشوار ما را به خوبی درک می‌کنید از شما تقاضای کمک فوری می‌کنیم، از شما می‌خواهیم که افکار عمومی جهان را نسبت به آنچه رژیم دیکتاتوری شاه انجام می‌دهد آگاه گردانید و جهان را از خطری که جان صدها تن از بهترین فرزندان میهن ما را تهدید می‌کند با خبر سازید. از تمام سازمان‌های بین‌المللی برای اعمال فشار به حکومت ایران به خاطر آزادی زندانیان ما کمک به طلبید.

دوستان عزیز، در این لحظات اضطراب‌آور که بیم مرگ گروهی از عزیزان ما در زندان‌های شاه می‌رود ما را تنها نگذارید. چشم ما به کمک فوری شما دوخته شده است. با تمام قوا به حمایت از ما برخیزید بگذارید که حمایت وسیع از دلیران ما در زندان مبین هم‌بستگی عمیق جنبش دانشجویی سراسر گیتی باشد.

سازمان دانشجویان دانشگاه تهران وابسته به جبهه ملی ایران - کمیته دانشجویان

سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم

مندرج در بخش: (منشور ارتجاعی کنفرانس بین‌المللی دانشجویان و تفسیر آن)

منشور کنفرانس بین‌المللی دانشجویان مصوب یازدهمین کنفرانس منعقد در کرایت چرج زلاند جدید

منشور کنفرانس بین‌المللی

دانشجویان

مصوب یازدهمین کنفرانس منعقد در

کرایست چرج

زلاند جدید

تابستان ۱۹۶۴

این منشور با همکاری کمیسیون امور بین‌المللی کنفدراسیون و
دبیر فرهنگی و اجتماعی فدراسیون ایتالیا ترجمه و طبع شده
است

CHARTER
of
INTERNATIONAL STUDENT CONFERENCE
in
PERSIAN

ما اتحادیه های ملی دانشجویی و هیئت های نماینده ای ملی گرده آمده در یازدهمین

(۲۲ ژوئن - اول ژوئیه ۱۹۶۴)

کنفرانس بین المللی در کربس جرج

- با نیرو و الهام گرفتن از ملیونها دانشجویی که بهما پیوسته اند.

- آماده برای تشویق و کمک و دفاع جنبش دانشجویی در سراسر جهان

چه جز با اتحادی متحرک و منظم و مستف دانش و بیان نمیتوانند نفوذ خود را بعنوان وحدان جامعه و پیش

قراول ترقی سیاسی و اقتصادی و اجتماعی انجام دهند.

- دلبسته باصلی که بر حسب آن جامعه دانشجویی و اتحادیه های ملی دانشجویی

جزء جدائی ناپذیر اجتماعی هستند که با آن سر نوشتی مشترک دارند.

- متحد پاینده بین اتحادیه های دانشجویی اصیل و مستقل و سازمان یافته پیور - مؤثراتیک

همکاری بر اساس اصول مشترک و معمول در جهان موثرترین وسیله است برای علیه بر فشار هر نوع شک و

ساختن عملیاتی که از آزادی کامل بر حور دار باشد و اجتماعی آزاد و - نیائی آرام که تبسم

آزادی انسانی است و - بر بیانیه جهانی حقوق بشر آمده است. منشور شفرانس بین المللی دانشجویان را!

که اعمال ارگانها اعضا آن را - در چارچوب کنفرانس بین المللی و راعنائی خواهد کرد تدوین مینمائیم.

اول - در وهای نهائی شفرانس بین المللی دانشجویان

یکم - آزادی دانشگاه پایه یک اجتماع آزاد -

الف - آزادی دانشگاه کنفرانس بین المللی دانشجویان با اعتقاد به دانشگاهی قابل ورود برای همگان و مستقل

در اعمال خود که با وجود این به نیازها و خواسته های ملت پاسخ گوید به دانشگاهی که فداکاریش - در پیشرفت

امر آموز و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی از عزم آن در جستجو و حراست حقیقت هرگز نگاهد به دانشگاهی که در

مابین بیرون اجتماع باز باشد اما با یورش های نژادی و سیاسی و مرایی شکست ناپذیر در راه تحقق و دفاع از

آزادی دانشگاه خواهد کوشید تا دانشگاه :

۱ - دانشگاهی باشد که نقش حیاتی خود را بعنوان کرسی آزاد تمام عقاید و نیز نقش پیش از پیش مهم تربیت

راعبران رشد اقتصادی و اجتماعی و هم نقش خود بعنوان مرکزی که در آن حتی اصول بدیهی و اساسی ترین

موسسات اجتماعی بدون عراس از انتقام نیروهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بتوانند مورد شک قرار گیرند.

۲ - دانشگاهی باشد که بر آن دانشجویان از هر نژاد و اعتقاد سیاسی و مذهبی و هر بنیه مالی و هر ملیت

در شرایط برابر و تنها بر حسب استعداد شخصی و نیازهایشان پذیرفته شوند.

۳ - دانشگاهی باشد مورد حمایت اجتماعی که خود جزئی از آنست و بنا بر این کاملاً شایسته برای آنکه در شرا -

یظ مناسب و بر حسب نیازهای ملی و اقتصادی و اجتماعی تعلیم دهد.

۴ - دانشگاهی باشد که در آن دانشجویان در دفاع دسته جمعی از ضایع و سوءولیت های قانونی خود و نیز تعاد -

لیت در راه بهبود رفاه عمومی خویش و جانعه و بیان نظرات خود و دخالت فساد نه در تعیین سیاست دانشگاهی

بدون مداخله یا تحدید یا سانسور به عمر نیمی از اتحاد آزاد باشند.

بد جامعه آزاد- کنفرانس بین المللی دانشجویان با اعتقاد باینکه آزادی دانشگاه از آزادی جامعه جدا ناشدنی است و معتقد باینکه جامعه آزاد و باز باید از هر نوعی تسلط خارجی کاملاً مستقل باشد و افراد آن بتوانند حیات ملی خود را بر حسب نیازها و خواستهای خلق تنظیم کنند و ساختارهای سیاسی و اقتصادی و اجتماعی باید در خدمت نیازهای و خواستههای حقیقی ملت که با وسائل دموکراتیک بیان میزدند قرار گرفته باشد خواهد کوشید تا هدفهای اساسی جامعه آزاد را که در زیرخواهد آمد ایجاد و از آن دفاع نماید .

۱- دموکراسی سیاسی- بر حسب اراده ملت که بر عین اصل آراء عمومی افراد بالغ و بوسیله انجام انتخابات آزاد و قانونی عملی میگرد- نمیتواند تحقق یابد مگر آنکه قدرت سیاسی نه امتیاز یک گروه یا یک طبقه یا یک نژاد باشد بلکه در شرایط آزادی کامل بیان و اجتماعات سندیگ عاقل کند و تمامی حقوق افراد برسمیت شناخته شود

۲- عدالت اجتماعی و اقتصادی- بدست نیاید مگر آنکه امکانات برابر در زمینه اقتصادی و سطح زندگی ملی کافی و تقسیم عادلانه ثروت ملی به قوانین و شیوههای برنامه گدایی و رشد اقتصادی بر مبنای نیازها و خواستهای ملت بستنی داشته باشد تا به عمل نمودن دقیق یک آیین اقتصادی مخصوص و بدو عدالت اقتصادی را میتوان از عین اشتغال عادلانه و مرضی السرفین عمالی اقتصادی بین المللی که هدف حقیقی آن ایجاد رشد اقتصادی سریع و طرد استعمار و تسلط اقتصادی باره ای از کشورهای سواره ای دیگر باشد تسهیل و تشویق نمود .

۳- عدالت اجتماعی- بطور عمده از راه نشان دادن علاقه و اقدام در سطح جهانی بر مبنای شناختن کامل شرف انسانی و حقوق برابر و خدشه ناپذیر همه اعضا خانواده بشری در شرایط تساوی کامل و برابری در مقابل قانون که برای ممکن زندگی و کار را در امان از کرسنگی و احتیاج میسر سازد بدست خواهد آمد .

بد صلح جهانی- کنفرانس بین المللی دانشجویان با اعتقاد باینکه آزادی دانشگاه و آزادی جامعه نمیتوانند از مبارزه برای صلح جهانی جدا باشند و با اعتقاد باینکه رسیدن به صلح پایدار جز از راه استقلال ملی و حق ملتها در تعیین سرنوشت خود و تشریک مساعی بین المللی ممکن نخواهد بود برای پیروزی صلح پایدار جهانی و خلق صلح بر مبنای اصول زیر خواهد کوشید :

- ۱- سازمان ملل متحدی نیرومند که عملی اعضا آن وظایفشان را انجام دهند در راه صلح و آزادی و پیشرفت بهر مساعی بکوشند . ملل متحد باید وسیله ای برای داوی و یافتن راه حل بر اختلافات اساسی بین الملل باشد و پایانه دهم جهانی آینده قرار گیرد .
- ۲- پشتیبانی از تماسهای صمیمانه و سازنده بین خلقهای کشورهای کوناگون و از جمله کشورهای که دارای نظامهای سیاسی و اقتصادی متفاوت اند به خاطر تفهیم و تفاهم بیشتر بین ملتها .
- ۳- به کار نخیره های انسانی و اقتصادی که تا کنون برای تولیدات جنگی مصرف میشوند در راه هدفهای

فسوری پیشرفتهای اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی .

۴- توافق بر سر پایان دادن به تمام آزمایشهای هسته ای با مضایقه ملل که در آن راههای سبزی و پیشگیریهای کافی پیشبینی شده باشد تا این ملتها آنها بعنوان اولین گام در راه خلع-الح همگانی و همه جانبه محترم شمارند .

۵- حکومت قانون بمنظور حفظ انسانها و ملتها از تجاوز و تامین وسایل مسالمت جویانه برای عدالتی بیطرفانه و ایجاد دنیائی که در آن برغم گوناگونیهای مرامی و نژادی و مذهبی بشریت متحد باشد .

دوم- مبارزه برای هدفهای نهائی کنفرانس بین المللی دانشجویان

کنفرانس بین المللی دانشجویان : آگاه باین امر که اختناق باشکال گوناگون (امپریالیسم- استعمار- استعمار نو- توتالیتاریسم- تبعیضات نژادی- استبداد- پیدادگری اجتماعی- و نظامیگری) با در خطر انداختن حقوق و مسئولیتهای دانشجویان برای مبارزه در راه عدالت همچنان آزادی دانشگاه و آزادی جامعه و صلح جهانی را تهدید میکند .

: معتقد باینکه مبارزه علیه اختناق نباید بمنظورهای خاص ملوک قیامی های مرامی یا مذهبی و یا سیاسی و یا نظامی آلوده گردد چه در تمامی گروههای قدرت اعمال اختناق و سیاست اختناق بچشم میخورد .

: مومن باینکه مبارزه دانشجویان علیه اختناق باید از داوریهایی

عینی که دانشجویان در کمال آزادی بآن رسیده اند الهام گیرد .

برای رسیدن به هدفهای نهائیش خواهد کوشید با مبارزه علیه :

۱- امپریالیسم- اقدامی که از آن راه حکومت یا گروههای اقتصادی کشوری بکشور دیگر تجاوز کند یا بر ملتی دیگر مسلط شود و در زمینه نظامی و اقتصادی و سیاسی و یا فرهنگی ببردگی اش بکشد و استثمار کند . امپریالیسم میتواند باشکال گوناگون نمودار گردد و امروزه از طرف چندین قدرت اعمال میشود و نمیتواند تنها بعنوان نتیجه يك نظام اقتصادی خاص و یا تظاهر طبیعی يك مرام ویژه تلقی شود .

استعمار به معنی از میان بردن آگاهانه حاکمیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی يك کشور و پایمال نمودن حق در تعیین سرنوشت خود از طرف کشور دیگر . استعمار تجاوزی آشکار بحقوق بشری است و هر نوع امکان توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را در کشور مستعمره از میان میبرد . استعمار بطور سیستماتیک شخصیت فرد و آگاهی ملی را در مملکت مستعمره نابود میکند و محیط مناسب برای رشد و ریشه گرفتن استعمار نو پدید میآورد .

۲- استعمار نو- یعنی تسلط یا تجاوز غیر مستقیم کشوری بر استقلال و تمامیت ملیتی حاکم در زمینه نظامی- سیاسی- و فرهنگی و بخصوص اقتصادی . استعمار نو اغلب- اما نه تنها- از طرف يك قدرت استعماری کهن نسبت بکشور هائی که استقلال ظاهری و نه واقعی دارند اعمال میشود . استعمار نو شکل زیرکانه اختناق است که حاکمیت و تمامیت و آزادی ملتی را از داخل از میان میبرد و منابع اقتصادی آنها تحت نظر میگیرد . استعمار نو بظاهر همکاری متقابل مفیدی است در زمینه اقتصادی و فرهنگی و سیاسی بر اساس قبول آزادانه و اقدام متقابل و تساوی طرفین .

۳- توتالیتاریسم- یعنی تحمیل سیستماتیک تجبري آئینی یا اعتقاداتی خاص چه دارای خواص نژادی و چه مذهبی و یا مرامی بر تمام جنبه های زندگی ملتی که حق ندارد آزادانه اظهار عقیده کند .

توتالیتاریسم الزاما در کشور هائیکه حکومت يك حزبی دارند موجود نیست بشرط آنکه حقوق اساسی بشر کاملاً محترم شده شود.

۵- تبعیض نژادی- یعنی پایمال کردن حق برخورداری بشر بطور برابر از شرایط و امکانات یکسان بدلیل نژادی. افکار نژادی بر مبنای نادانی و ترس و کینه استوار است و هدفش در هم شکستن شرف و شخصیت انسانی است. تبعیض نژادی غالباً شکل يك نظام استعماری سیاسی و اقتصادی و اجتماعی بخود میگیرد که در حد نهائی بآدمکشی منجر میشود. افکار برتری نژادی در هر جامعه خارج از نظام سیاسی و اجتماعی و مرام و رسمی یاد رجه رشد اقتصادی میتواند وجود داشته باشد.

۶- خودکامگی- یعنی تسلط اقتصادی و نظامی و سیاسی بر ملت توسط يك نظام اجتماعی که نماینده مردم نیست و از طرف يك فرد یا يك گروه تحمیل میشود و هدفش کسب قدرت است از راه فساد و تقلب یا بخطر انداختن زندگی و آزادی انسان.

۷- پیدادگری اجتماعی- یعنی شرکت کاملاً ناقص یا نا برابر بخشی از مردم در سود اقتصادی و در برخورداری از آموزش و در منافع اجتماعی یا فرهنگی جامعه. بیسوادی و گرسنگی و بی چیزی و وفور بیماری که اغلب ملل دنیا با آنها دست بگریباندند شاهدی است از وسعت وحدت این بلد.

۸- نظامیگری- یعنی استعمال نیروی نظامی برای در اختیار گرفتن قدرت سیاسی اقتصادی و اجتماعی کشوری از راه جلوگیری از انتخابات دمکراتیک یا در نظر نگرفتن نتایج آن و این امر بتسلط کشور از طرف نظامیهايك طبقات ممتاز را حمایت میکند میانجامد. نظامیگری در خدمت منافع امپریالیستی است و برای تحمیل خود بهمه شکلهای فشار متوسل میشود و آزادی بشر تجاوز میکند و بحقوق و قوانین ساختگی عمل مینماید و بخواستههای ملت پاسخ نمیدهد.

سوم- حقوق و وظایف اتحادیه ملی دانشجویی که بخاطر هدفهای

نهائی کنفرانس بین المللی دانشجویان مبارزه میکنند

کنفرانس بین المللی دانشجویان:

با باز شناختن اینکه جنبش دمکراتیک دانشجویی بازتابی است از لزوم گردهم آمدن دانشجویان برای شناساندن حقوق و انجام مسئولیتهای خود بعنوان دانشجوی و بعنوان عضو جامعه.

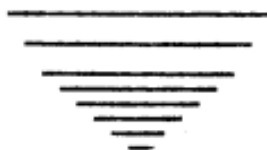
بر این عقیده که برای آنکه هدفهای نهائی ذکر شده در این منشور بتوانند تحقق یابند لازم است که اتحادیه های ملی دانشجویی دمکراتیک که بر اصل داوطلبی و به برکت کار خود دانشجویان بر پا شده اند و نماینده واقعی منافع آنان میباشد رشد یابند و بکار تشویق گردند.

معتقد باینکه استقلال و حاکمیت هر اتحادیه ملی دانشجویی در امور

ملی و بین المللی شرط ضرور پیروزی آنست خواهد کوشید تا از حقوق اتحادیه های ملی دانشجویی دفاع کند و مراقب باشد تا آنها وظایفی را که دارند انجام دهند. یعنی:

۱- هر اتحادیه ملی دانشجویی حق دارد بدون هیچ دخالت خارجی بخود سازمان دهد و وظیفه دارد که تمام مدعی خود را بکاربرد تا از تمام حقوق خود استفاده نماید بدون آنکه از هیچ نوع انتقام بهراسد حتی اگر افکارش با افکار دولت خود یا هر گروه مخصوص موجود در کشور یا در خارج از آن متفاوت باشد.

- ۲- هر اتحادیه ملی دانشجویی حق و وظیفه دارد که برابر هر گروه غیر دانشجویی، چه دولت باشد چه یک حزب سیاسی چه یک سازمان جوانان کاملاً مستقل باشد، همانطور که هنگامیکه این عناصر منعکس کننده اراده آزاد دانشجویان باشند حق دارد با آنها همکاری نزدیک داشته باشد.
- ۳- هر اتحادیه ملی دانشجویی بر مبنای اصول این منشور حق دارد که همبستگی معنوی و مادی سایر اتحادیه‌های ملی دانشجویی را طلب کند و وظیفه دارد هر وقت که لازم باشد این همبستگی را ظاهر کند.
- ۴- هر اتحادیه ملی دانشجویی وظیفه دارد که اختیارات خود را تنها از اجتماع دانشجویی که نمایندگی آنست توسط جلسات عمومی که در شرایط دمکراتیک برگزار شود و نیز از هیئت اجراییه آنکه بطور دمکراتیک برگزیده شده است کسب نماید تا هیچ نیروی خارجی نتواند با تجاوز با آزادی افکار اعضای اتحادیه مرام خود را بآن تحمیل کند.
- ۵- هر اتحادیه ملی دانشجویی وظیفه دارد که از آزادی دانشگاه و آزادی جامعه دفاع نماید و در راه صلح جهانی اقدام کند.
- ۶- هر اتحادیه ملی دانشجویی با در نظر گرفتن اصول این منشور وظیفه دارد که در جهت همکاری جهانی و عملی ساختن جهانی این اصول بکوشد.
- ۷- هر اتحادیه ملی دانشجویی وظیفه دارد بر طبق روح این منشور و بر مبنای دوجانبه و چند جانبه همکاری ملموس بین دانشجویان همه کشورها را بدون توجه بنظامهای اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آنها پیش برد تا وحدت جهانی دانشجویان میسر گردد.



ساختمان و وظایف

کنفرانس بین المللی دانشجویان از اتحادیه های ملی که این منشور را میپذیرند و بوظایف خود که در این منشور تعریف شده اند عمل میکنند تشکیل خواهد شد .

الف - کنفرانس (کنگره) -

۱- عالیترین مرجع تعیین خط مشی کنفرانس بین المللی دانشجویان عبارت خواهد بود از کنفرانس (کنگره) اتحادیه های ملی دانشجویی .

۲- تاریخ و محل هر کنفرانس بر مبنی قطعنامه های کنفرانس قبلی و دعوتنامه که بدبیرخانه میرسد از طرف کمیسیون نظارت تعیین خواهد شد .

۳- کنفرانس از ارگانهای خود گزارشات مربوط به سیاست ، برنامه ، و امور مالی کنفرانس بین المللی دانشجویان را دریافت خواهد کرد و خط مشی و برنامه آینده را تعیین خواهد نمود .

۴- کمیته راهنما در آغاز هر کنفرانس يك معاون و چند نایب رئیس برای تصویب کنفرانس توصیه خواهد نمود . رئیس و یا یکی از نواب رئیس کنفرانس را اداره خواهند نمود .

۵- تصمیمات کنفرانس با اکثریت آراء اعضای حاضر و رای دهنده گرفته خواهد شد ، مگر در مواردیکه طریقه دیگری در منشور و یا نظامنامه کنفرانس برای آن در نظر گرفته شده باشد . هر سازمان عضود کنفرانس دارای يك رای خواهد بود .

۶- حد نصاب هنگامی تامین است که اکثریت دو سوم کنفرانس یا نصفاعضای حاضر - هر کدام کمتر باشد - در کنفرانس حاضر باشند .

ب- عضویت

۱- اتحادیه های ملی دانشجویی که این منشور را پذیرفته باشند و اقدامات و اعلامیه هایشان گواه بر پشتیبانی از منشور باشد ، با رای اکثریت اعضای کنفرانس بین المللی دانشجویان عضویت پذیرفته خواهند شد .

۲- قبول عضویت يك سازمان بارائه اسناد لازم از سازمان متقاضی بستگی خواهد داشت . چنین سازمانهایی با ارائه اسناد لازم دایر بر قبول این منشور همکاری خود را در این چارچوب تعیین و تعهد خواهند نمود . این سازمانها ضمیمه تقاضای عضویت بیانیه ای که حاکی از تعهد و علاقه آنان به اجرای وظایفی که منشور برای هر اتحادیه ملی تعیین میکند است همراه با شرحی در باره ارگانیکه منشور را تصویب کرده است ارسال خواهند داشت .

پ- صورتهای دیگر عضویت .

۱- عضویت وابسته در کنفرانس بان سازمانی اعطا خواهد شد که شرایط عضویت سازمانی را به مثابه يك اتحادیه ملی دارا باشد و تعهد خود را نسبت به کنفرانس بین المللی دانشجویان انجام داده ، از برنامه های کنفرانس حمایت کرده و از عهده مسئولیت های مالی و غیره برآمده باشد .

۲- عضو وابسته حق صحبت، حق ارائه پیشنهادات و یابری آنان را خواهد داشت .

۳- عضویت وابسته به سازمانهای ملی دانشجویی ، سازمانهای دانشجویی خارج از کشور ، و سایر سازمان هائیکه از خود علاقه نسبت به کنفرانس بین المللی دانشجویان نشان داده اند اعطا خواهد شد . ناظرین فقط در صورتیکه از طرف کنفرانس از آنان دعوت بعمل آید حق صحبت خواهند داشت .

ت- کمیته نظارت -

۱- هر کنفرانس بین المللی دانشجویان (کنگره) کمیته نظارتی که از یازده عضو تشکیل شده باشد انتخاب خواهد نمود هر يك از سازمانهای عضو با توجه به تقسیم بندی جغرافیائی که توازن قاره ای را حفظ کند به یازده نامزد (اتحادیه ملی) انتخاباتی رای خواهد داد . مدت مسئولیت این کمیته تا انتخاب کمیته آینده خواهد بود . حد نصاب کمیته اکثریت ساده اعضای کمیته خواهد بود .

۲- کمیته نظارت کار هیئت دبیران را زیر نظر خواهد داشت و گزارش خود را به کنفرانس (کنگره) خواهد داد . کمیته نظارت دبیر کل و سایر دبیران را نیز بمنظور اجرای صوات کنفرانس منصوب خواهد نمود .

۳- کمیته نظارت با مشاوره و کمک هیئت دبیران ، دستور و برنامه کار کنفرانس بعدی را قبل از برگزاری طرح ریزی کرده برای تصویب به کنفرانس عرضه خواهد نمود . کمیته نقش کمیته راهنمای کنفرانس را نیز بعهده خواهد داشت . تصمیمات کمیته نظارت باید بتصویب کنفرانس نیز برسد . کمیته نظارت تصمیمات خود را بر مدارکی که وارد بداند مبتنی خواهد ساخت .

۴- کمیته نظارت تنها مقامی است که در فاصله بین دو کنفرانس می تواند منشور را تفسیر کند .

ت- هیئت دبیران -

۱- کنفرانس هیئت دبیرانی خواهد داشت که بنام هیئت دبیران کنفرانس بین المللی دانشجویان شناخته خواهد شد تولیت اجرای مواد قطعنامه ها و دستورات کنفرانس بعهده هیئت دبیران خواهد بود .

هیئت دبیران میتواند با موافقت کمیته نظارت برنامه های جدیدی را در فاصله بین دو کنفرانس برای رفع لایحاجات شرایط جدید طرح و بعور اجرا گذارد . هیئت دبیران باید اقدامات و بیانیه های خود را بر اساس منشور مبتنی سازد .

- ۲- هیئت دبیران در مقابل کفرانس بین المللی دانشجویان مسئول خواهد بود. در مدت بین دو کفرانس هیئت دبیران در مقابل کمیته نظارت که خود در مقابل کفرانس دارای مسئولیت است مسئول خواهد بود.
- ۳- هیئت دبیران گزارش فعالیت‌های خود را بقیه گزارش مالی به کفرانس تقدیم خواهد کرد. این هیئت با موافقت کمیته نظارت یک برنامه عمل نیز بعنوان پیشنهاد بکفرانس تقدیم خواهد نمود.
- ۴- کمیته نظارت یک دبیر کل و چند دبیر دیگر را که اجرای امور کفرانس را به عهده خواهند داشت انتخاب خواهد نمود. این افراد از میان رهبران دانشجویی که دارای تجربه کافی در سطح کشوری و بین المللی هستند انتخاب میشوند. در انتخاب آنان تقسیم بندی جغرافیائی مورد توجه خواهد گرفت. انتخاب آنان باید بر اصل صلاحیت فردی، سلامت اخلاقی، ایمان کامل با اصول کفرانس بین المللی دانشجویان که در منشور تصریح شده باشد.
- ۵- مدت خدمت دبیر کل و سایر دبیران دوره بین دو کفرانس است. هیچکس نمیتواند بیش از دو دوره در سمت دبیر منطقه ای انجام وظیفه نماید.
- ۶- دبیر کل با مشاوره سایر دبیران مسئول برنامه ریزی امور دبیرخانه خواهد بود. هیئت دبیران میتواند افراد دیگری را که برای انجام امور لازم میشوند با تصویب کمیسیون نظارت منصوب دارد.
- ۷- اعضای هیئت دبیران حق شرکت و صحبت در تمام ارگانهای کفرانس را خواهند داشت.
- ۸- هیئت دبیران اداره مخصوص بنیاد بورس فرهنگی بین المللی خواهد داشت که مسئول تهیه و اجرای برنامه های بورسی، مبارزه دانشجویی، و کمک های فنی به سازمانهای دانشجویی خواهد بود.
- این اداره مدبری خواهد داشت که با توصیه هیئت دبیران از طرف کمیته نظارت منصوب می گردد. شورای اداری بنیاد از پنج نفر که بوسیله سازمانهای عضو نامزد میشوند و از طرف کمیته نظارت میشوند تشکیل میگردد. شورای اداری مدیر بنیاد را در اجرای برنامه بنیاد راهنمایی و یاری خواهد نمود.

کمیسیون اطلاعات و تحقیق (ریک) -

- ۱- کمیسیون نظارت یک کمیته پنج نفری را بنام کمیسیون اطلاعات و تحقیق انتخاب خواهد نمود که مسئولیت تحقیق و رسیدگی به نقض حقوق دانشجویی و سایر مواردیکه حاکی از وجود اختناق است بعهده خواهد داشت. اعضای کمیسیون فردا بر حسب لیاقت، سلامت اخلاقی و ایمان با اصول و هدفهای کفرانس بین المللی دانشجویان انتخاب خواهند شد. عضویت این اعضا در کمیسیون تا زمانی معتبر است که کمیسیون دیگری انتخاب نشده است. یکی از اعضای کمیسیون بعنوان رئیس از میان آنان انتخاب خواهد شد. کمیسیون

میتواند در صورت لزوم افراد دیگری را نیز برای حسن انجام امور انتصاب نماید. کمیسیون از تمام کمک‌های لازم هیئت دبیران و بدون آنکه کوچکترین خدشه‌ای در کارش (پیش‌دوری) ایجاد کند به‌رمنده خواهد شد.

۳- کمیسیون مسئول تحقیق کامل در باره اوضاع دانشجویی در تمام کشور طئیست که در باره آنها ماموریت تهیه گزارش بدان واگذار شده است. کمیسیون در باره اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی این کشورها نیز از آنجهت که بفهم تحقیقات کمک میکند گزارش خواهد نمود.

کمیسیون مسئولیت خواهد داشت تا سازمانهای ملی دانشجویی و بقرهای دیگر افکار عمومی جهان را نسبت به هرگونه تجاوز به حقوق دانشجویی و یا وجود اختناق بر کشورهای مورد مطالعه آگاه سازد.

کمیسیون گزارش خود را جهت انجام اقدامات لازم بسازمانهای عضو خواهد فرستاد و نیز گزارش خود را بکنگره تقدیم خواهد نمود.

۴- کمیسیون اطلاعاتو تحقیق برای انجام مطالعات در باره هر کشوری بدستور کنفرانس پنج اتحادیه عضو، یا تصویب کمیسیون نظارت نیازمند است. در صورتیکه سازمانی عضو نیاز فوری به بیانیه کنفرانس در باره موضوعی داشته باشد، آن سازمان میتواند بیانیه پیشنهادی خود را همراه با اسناد کافی به کمیسیون فرستاده تا کمیسیون بتواند توصیه خود را بکنفرانس تقدیم دارد.

ترمیمات —

این منشور تا هنگامیکه ترمیم نشده است معتبر خواهد بود.

ترمیمات بر این منشور باید از طرف هر سازمان دو ماه قبل از شروع کنفرانس هیئت دبیران برای پخش میان سازمانهای دیگر ارسال شود و نخست از طرف کمیته نظارت مورد ملاحظه قرار گیرد. کنفرانس مجبور بقبول توصیه کمیته نظارت نیست. ترمیمات هنگامی معتبر شناخته میشوند که اکثریت دو سوم اعضای حاضر بدان رای موافق داده باشند.

انحلال —

۱- کنفرانس هنگامی قابل انحلال است که دو سوم بدین نظر رای موافق داده باشند و چنین پیشنهادی دو ماه قبل بکمیته نظارت رسیده باشد.

۲- در صورت انحلال کنفرانس، کنفرانس اعضای آئین هیئت دبیران و کمیته نظارت را همراه با دستورات لازم مسئول اموال کنفرانس بین‌المللی دانشجویان خواهد نمود. انحلال دو ماه پس از رای کنفرانس تصدیق خواهد یافت.

تعاریف اتحادیه ملی دانشجویی

۱- اتحادیه ملی دانشجویی - يك اتحادیه ملی دانشجویی آن سازمانی است که عضویت آن از افرادی که در دانشگاه و یا موسسات عالی فرهنگی مشغول به تحصیل باشند تشکیل شده باشد و این در منطقه ای باشد که اداره حکومت آن بطور دوفاکتو مجزا باشد، خواه این این جدائی بمعنی استقلال سیاسی باشد، خواه عدم استقلال سیاسی؛ وظیفه این سازمان عبارت است از دفاع از منافع دانشجویان و هیئت اجرائی آن باید بطور آزاد از طرف دانشجویان انتخاب شود؛ درهای این سازمان باید بروی تمام دانشجویان این منطقه باز باشد؛ این سازمان هنگامی بنام اتحادیه ملی دانشجویی شناخته میشود که یا تنها سازمانی باشد که مدعی ایفای نقش اتحادیه ملی دانشجویی در آن منطقه است و یا اگر بیش از يك سازمان در آن منطقه موجود است، این سازمان بتواند از طرف اکثریت دانشجویان آن منطقه فعالیت کند.

۲- هیئت نمایندگی کشوری - هیئت نمایندگی کشوری عبارت است از هیئت نمایندگی دانشجویی از کشوری که در آن اتحادیه ملی دانشجویی موجود نیست اما هیئت نمایندگی مزبور دارای اعتبار نام از اتحادیه های دانشجویی دانشگاهها می است که هیئت های اجرائی آن آزادانه از طرف اکثریت دانشجویان انتخاب شده اند. اعضای هیئت نمایندگی کشوری میباید حد اکثر کوشش خود را در تشکّل هر چه زودتر يك سازمان واحد دانشجویی ملی بکار ببرند.

سند شماره ۲ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم

مندرج در بخش: (منشور ارتجاعی کنفرانس بین‌المللی دانشجویان و تفسیر آن)

منشور کنفرانس بین‌المللی دانشجویان مصوب یازدهمین کنفرانس منعقد در کرایت چرچ زلاتند جدید

در زیر ما به انتشار سند "کوسک" دست می‌زنیم و تفسیر مطالب پیچیده و ریاکارانه آن را به عهده می‌گیریم:

ب - جامعه آزاد کنفرانس بین‌المللی دانشجویان با اعتقاد به اینکه آزادی دانشگاه از آزادی جامعه جدا ناشدنی است و معتقد به اینکه جامعه آزاد و باز باید از هر نوعی تسلط خارجی کاملاً مستقل باشد و افراد آن بتوانند حیات ملی خود را برحسب نیازها و خواست‌های خلق تنظیم کنند و ساختمان‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی باید در خدمت نیازها و خواست‌های حقیقی ملت که با وسائل دموکراتیک بیان می‌کردند قرار گرفته باشد کوشید تا هدف‌های اساسی جامعه آزاد را که در زیر خواهد آمد ایجاد و از آن دفاع نماید.

۱- دموکراسی - سیاسی - برحسب اراده ملت که بر طبق اصل آرای عمومی افراد بالغ و به وسیله انجام انتخابات آزاد و قانونی عملی می‌گردد نمی‌تواند تحقق یابد مگر آنکه قدرت سیاسی نه امتیاز یک گروه یا یک طبقه یا یک نژاد باشد بلکه در شرایط آزادی کامل بیان و اجتماعات سندیکاها عمل کند و تمامی حقوق افراد به رسمیت شناخته شود.

۲- عدالت اجتماعی و اقتصادی به دست نمی‌آید مگر آن که امکانات برابر در زمینه اقتصادی و سطح زندگی مادی کافی و تقسیم عادلانه ثروت ملی به قوانین و شیوه‌های برنامه‌گذاری و رشد اقتصادی بر مبنای نیازها و خواست‌های ملت بستگی داشته باشد تا به عملی نمودن دقیق یک آیین اقتصادی مخصوص و به علاوه عدالت اقتصادی را می‌توان از طریق اشکال عادلانه و مرضی‌الطرفین همگانی اقتصادی بین‌المللی که هدف حقیقی آن ایجاد رشد اقتصادی سریع و طرد استثمار و تسلط اقتصادی پاره‌ای از کشورها توسط پاره‌ای دیگر باشد تسهیل و تشویق نمود.

۳- عدالت اجتماعی به طور عمده از راه نشان دادن علاقه و اقدام در سطح جهانی بر مبنای شناختن کامل شرف انسانی و حقوق برابر و خدشه ناپذیر همه اعضاء خانواده بشری در شرایط تساوی کامل و برابری در مقابل قانون که برای همگان زندگی و کار را در امان از گرسنگی و احتیاج میسر سازد به دست خواهد آمد.

پ - صلح جهانی - کنفرانس بین‌المللی دانشجویان با اعتقاد به اینکه آزادی دانشگاه و آزادی جامعه نمی‌توانند از مبارزه برای صلح جهانی جدا باشند و با اعتقاد به اینکه رسیدن به صلح پایدار جز از راه استقلال ملی و حق ملت‌ها در تعیین سرنوشت خود و تشریک مساعی بین‌المللی ممکن نخواهد بود برای پیروزی صلح پایدار جهانی و خلع سلاح بر مبنای اصول زیر خواهد کوشید:

۱- سازمان ملل متحدی نیرومند که همگی اعضاء آن وظایف‌شان را انجام دهند و در راه صلح و آزادی و پیشرفت به طور مساوی بکوشند. ملل متحد باید وسیله‌ای برای داوری و یافتن راه حل بر اختلافات اساسی بین‌الملل باشد و پایگاه نظم جهانی آینده قرار گیرد.

۲- پشتیبانی از تماس‌های صمیمانه و سازنده بین خلق‌های کشورهای گوناگون و از جمله کشورهایی که دارای نظام‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی متفاوت‌اند به خاطر تفهیم و تفاهم بیش‌تر بین ملت‌ها.

۳- به کار ذخیره‌های انسانی و اقتصادی که تا کنون برای تولیدات جنگی مصرف می‌شوند در راه هدف‌های فوری پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی.

حال به بررسی پاره ای مفاهیم ایدئولوژیک در این طرح بپردازیم:

ب - جامعه آزاد - کنفرانس بین‌المللی دانشجویان با اعتقاد به اینکه آزادی دانشگاه از آزادی جامعه جدا ناشدنی است و معتقد به اینکه جامعه آزاد و باز باید از هر نوعی تسلط خارجی کاملاً مستقل باشد و افراد آن بتوانند حیات ملی خود را برحسب نیازها و خواست‌های حقیقی ملت که با وسائل دموکراتیک بیان می‌کردند قرار گرفته باشد کوشید تا هدف‌های اساسی جامعه آزاد را که در زیر خواهد آمد ایجاد و از آن دفاع نماید.

۱- دموکراسی سیاسی- بر حسب اراده ملت که بر طبق آرای عمومی افراد بالغ و به وسیله انجام انتخابات آزاد و قانونی عملی می‌گردد نمی‌تواند تحقق یابد مگر آنکه قدرت سیاسی نه امتیاز یک گروه یا یک طبقه یا یک نژاد باشد بلکه در شرایط آزادی کامل بیان و اجتماعات سندیکاها عمل کند و تمامی حقوق افراد به رسمیت شناخته شود.

۲- عدالت اجتماعی و اقتصادی به دست نمی‌آید مگر آن که امکانات برابر در زمینه اقتصادی و سطح زندگی مادی کافی و تقسیم عادلانه ثروت ملی به قوانین و شیوه‌های برنامه‌گذاری و رشد اقتصادی بر مبنای نیازها و خواست‌های ملت بستگی داشته باشد تا به عملی نمودن دقیق یک آیین اقتصادی مخصوص و به علاوه عدالت اقتصادی را می‌توان از طریق اشکال عادلانه و مرضی‌الطرفین همگانی اقتصادی بین‌المللی که هدف حقیقی آن ایجاد رشد اقتصادی سریع و طرد استثمار و تسلط اقتصادی پاره‌ای از کشورها توسط پاره‌ای دیگر باشد تسهیل و تشویق نمود.

به علاوه عدالت اقتصادی را می‌توان از طریق اشکال عادلانه و مرضی‌الطرفین همکاری اقتصادی بین‌المللی که هدف حقیقی آن ایجاد رشد اقتصادی سریع و طرد استثمار و تسلط اقتصادی پاره‌ای از کشورها توسط پاره‌ای دیگر باشد تسهیل و تشویق کرد.

- عدالت اجتماعی به طور عمده از راه نشان دادن علاقه و اقدام در سطح جهانی بر مبنای شناختن کامل شرف انسانی و حقوق برابر و خدشه ناپذیر همه اعضاء خانواده بشری در شرایط تساوی کامل و برابری در مقابل قانون که برای همگان زندگی و کار را در امان از گرسنگی و احتیاج میسر سازد به دست خواهد آمد.

۴- توافق بر سر پایان دادن به تمام آزمایش‌های هسته‌ای به امضای همه ملل که در آن راه‌های ممیزی و پیش‌گیری‌های کافی پیش‌بینی شده باشد تا این ملت‌ها آن را به عنوان اولین گام در راه خلع سلاح همگانی و همه جانبه محترم بشمارند.

۵- حکومت قانون به منظور حفظ انسان‌ها و ملت‌ها از تجاوز و تأمین وسایل مسالمت‌جویانه برای عدالتی بی‌طرفانه و ایجاد دنیائی که در آن به رغم گوناگونی‌های مرامی و نژادی و مذهبی بشریت متحد باشد.

دوم - مبارزه برای هدف‌های نهائی کنفرانس بین‌المللی

دانشجویان

کنفرانس بین‌المللی دانشجویان: آگاه به این امر که اختناق به اشکال گوناگون (امپریالیسم - استعمار - استعمار نو - توتالیتاریسم - تبعیضات نژادی - استبداد - بیدادگری اجتماعی و نظامی‌گری) با در خطر انداختن حقوق و مسئولیت‌های دانشجویان برای مبارزه در راه عدالت همچنان آزادی دانشگاه و آزادی جامعه و صلح جهانی را تهدید می‌کند.

: معتقد به اینکه مبارزه علیه اختناق نباید به منظورهای خاص بلوک‌های مرامی یا مذهبی و یا سیاسی و یا نظامی آلوده گردد چه در تمامی گروه‌های قدرت اعمال اختناق و سیاست اختناق به چشم می‌خورد.

: مومن به اینکه مبارزه دانشجویان علیه اختناق باید از داوری‌های عینی که دانشجویان در کمال آزادی به آن رسیده‌اند الهام گیرد.

برای رسیدن به هدف‌های نهائیش خواهد کوشید با مبارزه علیه:

۱- امپریالیسم - اقدامی که از آن راه حکومت یا گروه‌های اقتصادی کشوری به کشور دیگر تجاوز کند یا بر ملتی دیگر مسلط شود و در زمینه نظامی و اقتصادی و سیاسی و یا فرهنگی به پردگی‌اش بکشد و استثمار کند. امپریالیسم می‌تواند به اشکال گوناگون نمودار گردد و امروزه از طرف چندین قدرت اعمال می‌شود و نمی‌تواند تنها به عنوان نتیجه یک نظام اقتصادی خاص و یا تظاهر طبیعی یک مرام ویژه تلقی شود.

۲ - استعمار - یعنی از میان بردن آگاهانه حاکمیت اقتصادی و سیاسی و فرهنگی یک کشور و پایمال نمودن حق در تعیین سرنوشت خود از طرف کشور دیگر. استعمار تجاوزی آشکار به حقوق بشری است و هر نوع امکان توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را در کشور مستعمره از میان می‌برد. استعمار به طور سیستماتیک شخصیت فرد و آگاهی ملی را در مملکت مستعمره نابود می‌کند و محیط مناسبی برای رشد و ریشه گرفتن استعمار نو پدید می‌آورد.

۳ - استعمار نو - یعنی تسلط یا تجاوز غیر مستقیم کشوری بر استقلال و تمامیت ملی حاکم در زمینه نظامی - سیاسی و فرهنگی و به خصوص اقتصادی. استعمار نو اغلب - اما نه تنها - از طرف یک قدرت استعماری کهن نسبت به کشورهایی که استقلال ظاهری و نه واقعی دارند اعمال می‌شود. استعمار نو شکل زیرکانه اختناق است که حاکمیت و تمامیت و آزادی ملتی را از داخل از میان می‌برد و منابع اقتصادی آن را تحت نظر می‌گیرد. استعمار نو به ظاهر همکاری متقابل مفیدی است در زمینه اقتصادی و فرهنگی و سیاسی بر اساس قبول آزادانه و اقدام متقابل و تساوی طرفین.

... مبارزه دانشجویان علیه اختناق نباید به منظوره‌های خاص بلوک‌های مرامی یا مذهبی و یا سیاسی و یا نظامی آلوده گردد چه در تمامی گروه‌های قدرت اعمال اختناق و سیاست اختناق به چشم می‌خورد.

استعمار نو اغلب - اما نه تنها - از طرف یک قدرت استعماری کهن نسبت به کشورهایی که استقلال ظاهری و نه واقعی دارند اعمال می‌شود.

استعمار نو اغلب - اما نه تنها - از طرف یک قدرت استعماری کهن نسبت به کشورهایی که استقلال ظاهری و نه واقعی دارند اعمال می‌شود.

۴ - توتالیتاریسم - یعنی تحمیل سیستماتیک و جبری آئینی یا اعتقاداتی خاص چه دارای خواص نژادی و چه مذهبی و یا مرامی بر تمام جنبه‌های زندگی ملتی که حق ندارد آزادانه اظهار عقیده کند. توتالیتاریسم الزاما در کشورهایی که حکومت یک حزبی دارند موجود نیست به شرط آن که حقوق اساسی بشر کاملاً محترم شمرده شود.

سوم - حقوق و وظایف اتحادیه ملی دانشجویی که به‌خاطر هدف‌های نهائی کنفرانس بین‌المللی دانشجویان مبارزه می‌کنند:

۵ - هر اتحادیه ملی دانشجویی با در نظر گرفتن اصول این منشور وظیفه دارد که در جهت همکاری جهانی و عملی ساختن جهانی این اصول بکوشد.

۶ - هر اتحادیه ملی دانشجویی وظیفه دارد بر طبق روح این منشور و بر مبنای دو جانبه و چند جانبه همکاری ملموس بین دانشجویان همه کشورها را بدون توجه به نظام‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی آن‌ها پیش ببرد تا وحدت جهانی دانشجویان میسر گردد.

ساختمان و وظایف

کنفرانس بین‌المللی دانشجویان از اتحادیه‌های ملی که این منشور را می‌پذیرند و به وظایف خود که در این منشور تعریف شده‌اند عمل می‌کنند تشکیل خواهد شد.

ب - عضویت:

- ۱ - اتحادیه‌های ملی دانشجویی که این منشور را پذیرفته باشند و اقدامات و اعلامیه‌هایشان گواه بر پشتیبانی از منشور باشد، با رای اکثریت اعضای کنفرانس بین‌المللی دانشجویان به عضویت پذیرفته خواهند شد.
- ۲ - قبول عضویت یک سازمان به ارائه اسناد لازم از سازمان متقاضی بستگی خواهد داشت. چنین سازمان‌هایی با ارائه اسناد لازم، دایر بر قبول این منشور همکاری خود را در این چارچوب تعیین و تعهد خواهند نمود. این سازمان‌ها ضمیمه تقاضای عضویت بیانیه‌ای که حاکی از تعهد و علاقه آنان به اجرای وظایفی که منشور برای هر اتحادیه ملی تعیین می‌کند است، همراه با شرحی درباره ارگانی که منشور را تصویب کرده‌است ارسال خواهند داشت.

پ - صورت‌های دیگر عضویت:

- ۱ - عضویت وابسته در کنفرانس به آن سازمانی اعطا خواهد شد که شرایط عضویت سازمانی را به مثابه یک اتحاد ملی دارا باشد و تعهد خود را نسبت به کنفرانس بین‌المللی دانشجویان انجام داده، از برنامه‌های کنفرانس حمایت کرده و از عهده مسئولیت‌های مالی و غیره برآمده باشد.
 - ۲ - عضو وابسته حق صحبت، حق ارائه پیشنهادات و یابوری آنان را خواهد داشت.
 - ۳ - عضویت وابسته به سازمان‌های ملی دانشجویی، سازمان‌های دانشجویی خارج از کشور و سایر سازمان‌هایی که از خود علاقه نسبت به کنفرانس بین‌المللی دانشجویان نشان داده‌اند اعطا خواهد شد.
- ناظرین فقط در صورتی که از طرف کنفرانس از آنان دعوت به عمل آید حق صحبت خواهند داشت.

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم

مندرج در بخش: (منشور ارتجاعی کنفرانس بین‌المللی دانشجویان و تفسیر آن)

مندرج در بخش: (کنگره ششم کنفدراسیون جهانی و ادامه مبارزه بر سر روابط خارجی)

مصوبات ششمین کنگره کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی دوم تا هفتم ژانویه ۱۹۶۷

مصوبات

ششمین کنگره کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان

ایرانی

دوم تا هفتم ژانویه ۱۹۶۷

منعقد در شهر

فرانکفورت (آلمان غربی)

بهاء معادل ده ریال

دایره تشکیلات کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی

مصوبات کمیسیون امسور بین المللی

درباره کنفرانس بین المللی دانشجویان

کمیسیون پس از بحث و بررسی مفصل با رد دیگر متفقا باین نتیجه رسید که "کنفرانس بین المللی دانشجویان (آی. اس. سی)" هنوز بخیط مشی ارتجاعی خود ادامه میدهد و از روشهای غیر دموکراتیک در جریان کنگره های خود استفاده میکند.

۱- مصوبه داخلی - استراتژی خروج

کمیسیون معتقد است که در مجموع ماشین ارتجاعی کنفرانس بین المللی باید درهم کوبیده شود. بدیهی است که اگر کنفدراسیون بتواند نظر سازمانهای دیگر مطلق در کوسک را که عده کمی هستند برای تبعیت از این استراتژی جلب کند نقش عده را انجام داده و ضریت کوبیده ای پس از خروج اول از کوسک وارد کرده است.

در این راه عیای دبیران باید بطور کنگرت فعالیت کرده و در اسرع وقت با سازمانهای مطلق درون کوسک تماس برقرار کرده و در نشستهای جداگانه با آنها ویا عمومی ارگانیزه از طرف کوسک استراتژی خروج را که در نتیجه چیزی جز درهم ریختن این سازمان ارتجاعی نمی خواهند تبلیغ کند.

تحقق عضویت ما در (آی. اس. سی) و ایجاد روابط جدید در سطح بین المللی امکانات نوینی در عملی ساختن خط مشی بالا میآید.

۲- کنگره هیات دبیران منتخبه را موظف میکند که موضوع کار روشنگری و صحبت با گروههای مطلق مانند فرانسه و دیگران را تا قبل از کنگره آینده به نتیجه قابل طرح رسانده و نتیجه را از طریق شورایمالی باطلاع واحد های سازمانی برسانند.

شورا میتواند با در نظر گرفتن گزارش هیات دبیران تصمیم بگیرد.

۳- کمیسیون همچنین نتیجه گرفت که در شرائط کنونی بخاطر آنکه گردانندگان (آی. اس. سی) و سازمانهای مکی از موضع مطلق مطلق کنفدراسیون آگاه شوند و اعتراض کنفدراسیون را به کنفرانس بین المللی احساس کنند عضویت ما از شکل پیوسته بوابسته تغییر پیدا کرده و هیات های نمایندگی ما نقش افشاگری و روشنگری خود را در درون کنفرانس در میان سازمانهای دانشجویی ادامه دهد. بدینصورت کنگره منشور کوسک را بملت ماهیت ارتجاعی آن قاطعاً زد میگذرد.

درباره اتحادیه بین المللی دانشجویان

کمیسیون شکل عضویت در اتحادیه بین المللی دانشجویان را مورد شور قرار داد و نتیجه گرفت که عضویت پیوسته در شرائط کنونی صحیح است. عضویت پیوسته امکانات عملی بیشتری از اشکال دیگر عضویت بوجود میآورد و دفاع از اصول و سنتهای کنفدراسیون را که در مصوبات و قطعنامه های پیش آمده است و باید در دستور کار عیقت نمایندگی های ما باشد مقدور میکند.

هیئت های نمایندگی کنفدراسیون باید بویژه با دفاع پیگیر از حقوق خلقهای آسیا - آفریقا و آمریکای لاتین و مشی ضد کونیالیستی و ضد امپریالیستی - بهر شکل آن - کوشش کرده و در جهت ایجاد شرائط دموکراتیک کافی گام بردارند که در خور اعمیت فراوان است.

کمیسیون امور بین المللی پس از شور زیاد درباره نتایج اقدامات هیات دبیران در زمینه تامین عضویت کفد راسیون در اتحادیه بین المللی دانشجویان (آی - یو - اس) و پس از تشکیل سوکسیونی که مامور رسیدگی به اعلامیه مشترک دو هیات نمایندگی کفد راسیون و توسو گردید چنین اظهار نظر کرد :

با آنکه اعلامیه مشترک از اشتباهات و نقائص تاریخی عاری نیست و اعضای هیات نمایندگی خود نیز بدین امر اذعان دارند با توجه باینکه هیات نمایندگی بخاطر تامین عرصه زود تر حق کفد راسیون در دست آوردن کرسی خود در اتحادیه بین المللی دانشجویان حد اکثر حسن نیت و نرمش ممکن را در تنظیم اعلامیه از خود نشان داده است کمیسیون ماده واحده زیر را تصویب میکند .

ماده واحده

الف - تصمیمات سوکسیون

ب - فرم عضویت

ششمین کنگره کفد راسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی اعلامیه مشترک هیاتهای نمایندگی کفد راسیون و (توسو) را بعنوان مدرکی که از تاریخ عضویت کفد راسیون در اتحادیه بین المللی دانشجویان (آی - یو - اس) بمثابة تنها نماینده قاطبه دانشجویان ایرانی حائز اعتبار خواهد شد مورد تأیید قرار میدهد .

کنگره ششم کفد راسیون دانشجویان ایرانی نظر واستیباط خود را درباره اعلامیه هیات نمایندگی این سازمان و توسو بشرح زیر بیان میدارد :

۱- منظور از تاریخ ۱۳۳۸ (۱۹۵۹) در بند دو از اعلامیه مزبور تاریخ شروع مجدد فعالیتهای دانشجویی در خارج از کشور میباشد که پایه تشکیل کفد راسیون گردید .

۲- بنا باستناد گزارش هیات نمایندگی از مذاکرات شفافی و مراجعه بمن انگلیسی اعلامیه که کلمه (dissolv) در آن ذکر گردیده لغت (وحدت) در بند دو جمله "با کفد راسیون جهانی دانشجویان وحدت میکند" مفهومی جز انحلال نمیسوزد و در داخل سازمان ملی دانشجویان ایران یعنی کفد راسیون ندارد .

۳- مفهوم ماده ۴ : در صورت عضویت اتحادیه عانی از دانشجویان ایرانی کشورهای سوسیالیستی در کفد راسیون هیچگونه تبعیضی برای واحد های کفد راسیون بوجود نیامده و در واقع کفد راسیون بنا به سنت خود از هر کار و ریزه ای جهت انزام بکنگره های بین المللی استفاده میکند .

* * *

اعلامیه

هیات دبیران اتحادیه بین المللی دانشجویان برای اجرای مصوبات کنگره هشتم آی.یو.اس . در صوفیه در مورد حل مساله عضویت کفد راسیون در اتحادیه آی.یو.اس. از هیاتهای نمایندگی کفد راسیون و "توسو" دعوتی برای انجام ملاقات بین این دو هیات بعمل آورد . هیات دبیران اتحادیه به دو هیات نمایندگی توصیه کرد که این مساله را مورد بررسی قرار دهند و خود در حل آن بکوشند . این ملاقات بین دو هیات نمایندگی از تاریخ ۱۱-۱۱-۱۹۶۶ تا ۱۴-۱۱-۱۹۶۶ در پرات صورت گرفت . دو هیات نمایندگی در محیطی دوستانه مسائل جنبش دانشجویان ایرانی را در گذشته و حال مورد بحث قرار دادند و جریان تکامل اشکال گوناگون سازمانی آن را در دوره های مختلف ارزیابی کردند و به نتایج کلی زیرین رسیدند .

در باره مسائل بین المللی کنفدراسیون

- اتحادیه بین المللی دانشجویان IUS

- کنفرانس بین المللی دانشجویان ISC

- در باره سازمان این دانشجویی سه قاره .

- روابط کنفدراسیون با سازمانهای ملی دانشجویی .

اتحادیه بین المللی دانشجویان

پس از پیروزی بر فاشیسم جنبش آزادیبخش ملی و توده‌های رشد بی سابقه‌ای یافت و جنبش دانشجویی در جهان تحت تاثیر این پیروزی و با الهام از هدفهای مرقی این پیروزی در اهره تشکلی خود در مقیاس جهانی گامهای موثری برداشت . در سال ۱۹۴۰ سازمانهای دانشجویی کشورهای جبهه ضد فاشیسم برای بوجود آوردن یک اتحادیه بین المللی دانشجویی و با همکاری از احیا فاشیسم دفاع از صلح مبارزه علیه استعمار و برای استقلال ملی، دست مکرسی دفاع از حقوق و منافع جوانان و دانشجویان یک کنفرانس تدارکی در لندن تشکیل دادند . پس از این کنفرانس "اتحادیه بین المللی دانشجویان" در اوت ۱۹۴۶ در پراگ پا به عرصه وجود گذاشت . بدین ترتیب اکثریت اتحادیه های دانشجویی آن زمان در اتحادیه بین المللی متحد شدند . اما دیری نپایید که امپریالیستها و در رأس آنها امپریالیسم امریکا با سائس گوناگون علیه این سازمان بین المللی دانشجویی دست به تبلیغ و تحریک زدند و در سال ۱۹۴۸ دانشجویان را در این سازمان بوجوه آوردند . علی رغم تمام تشبیهات و تمایزها و کارزار تبلیغاتی عجیبی که علیه اتحادیه بین المللی صورت گرفت سازمانهای مرقی دانشجویی آن زمان که در داخل اتحادیه متشکل بودند به طور پیدیری از آنها و اهداف این سازمان دفاع کردند و در گسترش جنبش مکرانیک دانشجویی در مقیاس بین المللی از هیچ کوششی دریغ ننمودند .

در ده سال اخیر و بویژه در چند سال گذشته اتحادیه تحت نفوذ و تاثیر کشورهای اروپای شرقی و در رأس آنها شوروی به تدریج در عمل از خط مشی اصولی و مبارزه جوی خود دوری جست . اتحادیه بین المللی دیگر مبارزه علیه امپریالیسم را به بیان جملات پر زاین و آراسته اما بدون هر گونه پشتوانه عملی تبدیل کرد و در زیر پا نهادن خط مشی مرقی و ضد امپریالیستی جنبش دانشجویی جهانی تا بانجا پیشرفت که تحت عنوان "گسترده کردن" اتحادیه هر سازمان دانشجویی را صرف نظر از محتوایش در درون خود میپذیرد و تحت عنوان وحدت جنبش دانشجویی حتی پس از افشای روابط کوزک با سازمان جاسوسی آمریکا می توان میگوشت زمینه وحدت با این سازمان را فراهم آورد .

طبیعی است که خط مشی اتحادیه با مقاومت سازمانهای مبارز و مرقی درون آن روبرو شد و در داخل اتحادیه مبارزه بر سر دو خط مشی اوج گرفت . هم اکنون بسیاری از سازمانهای عضو علاوه از اتحادیه دوری جست دارند و عدم توافق خود را با برنامه ها و عمل کرد اتحادیه بکرات ابراز داشته اند . اینان با مشی که گردانندگان اتحادیه میخواهند به جنبش جهانی دانشجویی تملی کنند مخالف و رزیده با این خط مشی نادرست مبارزه کرده و میکنند . دیگر روشن است که وضعیت کنونی اتحادیه علاوه نمیتواند پاسخگوی نیازهای مردم جنبش دانشجویی بین المللی باشد و در اعتلای این جنبش که بخصوص در دهه سال اخیر به طور چشمی رشد یافته است موثر واقع افتد . خط مشی نادرست و ترکیب نامگون سازمانهای عضو اتحادیه بین المللی به اتحادیه اجازه نخواهد داد که برای مدت درازی دوام بیاورد و ناگزیر دیر یا زود اتحادیه از داخل بخاطر تضادهای درونیش منحل خواهد شد بدون شک در مبارزه جاری که میان دو خط مشی درگیر است پیروزی از آن سازمانهایی است که مدافع خط مشی صحیح هستند بنابراین کنفدراسیون باید تا روزیکه امکان مبارزه در درون اتحادیه بین المللی موجود است در حرف اول همراه با سایر سازمانهای مرقی با برنامه مشترکی علیه خط مشی تا در پیش غالب در اتحادیه مبارزه کند .

- ۵ -

در جریان این مبارزه است که پیوندی عمیق بین سازمانهای مبارز بوجود خواهد آمد و جنبش مرقی و دمکراتیک دانشجویی در مقیاس جهانی، اشکال مناسب سازمانی خود را خواهد یافت.

برخورد کفدراسیون به اتحادیه بین المللی دارای سابقه ای است که بنوبه خود باید در زمان مناسب در اجزا خود شکافته شود و مورد بررسی همه جانبه قرار گیرد. زمانیکه کفدراسیون به عضویت اتحادیه بین المللی در آمد، امید آن میرفت و تصور میشد که در داخل اتحادیه هنوز امکان استفاده از یک پلتفرم بین المللی، به خاطر کسب پشتیبانی از خواستهای کفدراسیون موجود است. با این که شناخت از اتحادیه بین المللی در حدی بود که گذره ششم (گذره فرانکفورت) در بحثهای خود با آن برخورد، انتقادی داشت ولی با تکیه بر امکان استفاده جهت انعکاس مبارزات دانشجویان ایران و دفاع پیگیر از یک مشی ضد کمپانیستی و ضد امپریالیستی در جنبش جهانی دانشجویی در درون اتحادیه عضویت در اتحادیه را تصویب کرد.

تعمیر مدت کوتاه عضویت نشان داد که سازمانهایی که خواهان پیروی از یک مشی مرقی، ضد امپریالیستی و مستقل هستند و به خط مشی حاکم در اتحادیه بین المللی نتواندانه برخورد کرده و آنرا طرد مینمایند بشیوههای گوناگون از امکاناتی که اتحادیه در اختیار طرفداران خط مشی خود میدارد محروم میشوند و رهبران اتحادیه آنها را در سرنوشت اتحادیه شرکت نمیداد (مراجعه شود به مناسبات اتحادیه با کفدراسیون از زمان عضویت تا امروز). همه اینها نتیجه طبیعی خط مشی نادرست است که در اتحادیه حاکم است و در بالا از آن یاد شد.

این جمع بندی کفدراسیون از اتحادیه بین المللی بر اساس تریببات مستقیم و تحلیل فداقی واقعیت اتحادیه و ترکیب آن بدست آمده است و ضرورت دارد که کفدراسیون در دفاع از آن در داخل و خارج اتحادیه بسود خط مشی اصولی در جنبش جهانی دانش رقی و روشن کردن هر چه بیشتر و اثبات صبرم این جنبش اقدام نماید و سازمانهای مرقی دانشجویی را در گرد این خط مشی به مبارزه بکشانند.

نکاتی که باید به طور اساسی در رابطه کفدراسیون با اتحادیه در نظر گرفته شود:

- ۱ - تثبیت دبیران و یا کمیسیونی تحت نظر تثبیت دبیران قبل از شرکت در گذره آینده اتحادیه بین المللی نظارت کفدراسیون در باره اتحادیه را جمع بندی و رد اختیار سازمانهای عضو بگذارد.
- ۲ - باید از ارتقاء کفدراسیون برخوردی انتقادی نسبت به اعلامیه ها و مجموعه فعالیت های اتحادیه در فاصله میان دو گذره آن بشود.
- ۳ - لازم است کفدراسیون با سازمانهای مخالف خط مشی اتحادیه بین المللی به بحث و تبادل نظر در پیرامون این خط مشی بپردازد.
- ۴ - تثبیت دبیران باید جهت شناساندن سازمانهای عضو اتحادیه به واحد های کفدراسیون اقدام نماید.

در باره کفدرانس بین المللی دانشجویان (کوسک)

با اینکه کفدراسیون قبل از افشا روابط کوسک با سازمانهای اساسی آمریکا (سیا) استراتژی خروج از این سازمان را به تصویب رساند و بلافاصله پس از افشای این روابط بدرستی موضع گرفته و از این سازمان خارج گردید و این بر ضرورت منطقی و موقفی بود. همچنین نادرست است اگر روابط خود با این سازمان را در چنین اقدامی خلاصه کنیم. کفدراسیون باید مجموعه مناسبات خود با کوسک و نوسانات آنرا ارزیابی کرده و موضع خود را در این باره روشن نماید.

گذره لوزان ادامه عضویت در کوسک را که قبلا بدون مراجعه به نظرات سازمانهای دانشجویی صورت گرفته بود، تصویب می شد (که این نیز بنوبه خود نادرست است). علاوه بر این در کنگره ارزیابی ناصحیحی از کوسک میشود. با توجه به شناخت محدود واحد های کفدراسیون از کوسک چنین ارزیابی نادرستی با ایجاد تصویر غیر واقعی از این سازمان منتهی میشود.

در این کنگره کوسک از طریق نماینده خود و تأیید کنگره بعنوان سازمانی مصرفی میگردد کنگره تنها با صمیمیت از مبارزه دانش و یان ایرانی حمایت کرده و با همه امکانات بان یاری میرساند بلکه مبارزه با رژیم های دیکتاتوری، با کاپیتالیستهای با استثمار و استثمار نوین، با تبعیض نژادی و بی عدالتیهای اجتماعی در سر لوجه کار آن قرار دارد. در نتیجه ترکیب بری و فالت و خط مشی کوسک خلاف این نظر را نشان میدهد.

کفدراسیون بتدریج مبارزه علیه این سازمان را آغاز میکند ولی این مبارزه تا تصویب منشور کفدرانس بنام و نا پیگیر و محدود انجام میگردد. پس از تصویب منشور مبارزه ما در درون این سازمان شکل گرفته و عده ای از سازمانهای موقفی را نیز بدینا خود میباشند. ولی کفدراسیون با وجود نقاط مثبت در این مبارزه منشور کوسک را بطور صوری قبول میکند. با توجه به رشد نسبی کفدراسیون و اعضای آن در زمان تصویب منشور و آگاهی نسبت به ماهیت کوسک باید قبول صوری منشور را در شمار موضع گیریهای نادرست گذشته آورد و تقاضای آن بر خور نشود و بر ضمن باید اضافه نمود که با خروج از کوسک و رفع ما در مبارزه علیه این سازمان برنامه عمل و خط مشی آن پایان نیافته است. کفدراسیون باید بطور مداوم و پیگیر بمبارزه علیه خط مشی این سازمان، بخاطر انفراد کامل آن و سازمانهایی که استخوان بندی آنها میسازند، ادامه دهد.

در خاتمه اشاره باین مطلب ضروری است که این موضع با موضع کسانی که پس از افشا روابط کوسک با (سیا) در لباس دلسوزی نسبت به جنبش ولی در واقع بمنظور ایجاد تزلزل در وحدت دانشجویان ایران کفدراسیون را مورد حمله قرار دادن، ماهیتا تفاوت دارد. آنها نه بخاطر یک برخورد نقادانه و اصولی به کفدراسیون و در نظر گرفت سیر و رشد آن، بلکه درست بخاطر ضربه زدن به جنبش دانشجویی، با استفاده از فرصت افشای این روابط، از طریق توسل به اتهام، تحریف و دروغ پردازی، کاورار تبلیغاتی بی سابقه ای علیه کفدراسیون و کادرهای آن بره انداختند. حال اینجاست که غیر اصولی بودن آنان تا بانجا میرسد که آشکارا از یکسو بدافع از همکاری و وحدت اتحادیه بین المللی با کویک میپردازند و از سوی دیگر دانشجویان ایرانی را بخاطر عضویت کفدراسیون در این سازمان به تحریک علیه تمام موجودیت کفدراسیون دعوت میکنند.

ولی دانشجویان ایرانی بدرستی چنین موضعی را ترد و محکوم ساخته اند.

سند شماره ۳ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم

مندرج در بخش: (منشور ارتجاعی کنفرانس بین‌المللی دانشجویان و تفسیر آن)

مندرج در بخش: (کنگره ششم کنفدراسیون جهانی و ادامه مبارزه بر سر روابط خارجی)

مصوبات ششمین کنگره کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی دوم تا هفتم ژانویه ۱۹۶۷

دایره تشکیلات کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی

مصوبات کمیسیون امور بین‌المللی

در باره کنفرانس بین‌المللی دانشجویان (آی. اس. سی I.S.C)

کمیسیون پس از بحث و بررسی مفصل بار دیگر متفقا باین نتیجه رسید که کنفرانس بین‌المللی دانشجویان (آی. اس. سی I.S.C) هنوز به خط مشی ارتجاعی خود ادامه می‌دهد و از روش‌های غیردموکراتیک در جریان کنگره‌های خود استفاده می‌کند.

۱ - مصوبه داخلی - استراتژی خروج

کمیسیون معتقد است که در مجموع ماشین ارتجاعی کنفرانس بین‌المللی باید درهم کوبیده شود. بدیهی است که اگر کنفدراسیون بتواند نظر سازمان‌های دیگر متری در کوسیک را که عده کمی هستند برای تبعیت از این استراتژی جلب کند نقش عمده را انجام داده و ضربت کوبنده‌ای پس از خروج اول از کوسیک وارد کرده است.

در این راه هیات دبیران باید بطور کنکرت فعالیت کرده و در اسرع وقت با سازمان‌های متری درون کوسیک تماس برقرار کرده و در نشست‌های جداگانه با آنها و یا عمومی ارگانیزه از طرف کوسیک استراتژی خروج را که در نتیجه چیزی جز درهم ریختن این سازمان ارتجاعی نمی‌خواهد تبلیغ کنند.

تحقق عضویت ما در (آی. یو. اس) و ایجاد روابط جدید در سطح بین‌المللی امکانات نوینی در عملی ساختن خط مشی بالا می‌باشد.

۲ - کنگره هیات دبیران منتخبه را موظف می‌کند که موضوع کار روشنگری و صحبت با گروه‌های متری مانند فرانسه و دیگران را تا قبل از کنگره آینده به نتیجه قابل طرح رسانده و نتیجه را از طریق شورایی به اطلاع واحدهای سازمانی به رسانند. شورا می‌تواند با در نظر گرفتن گزارش هیات دبیران تصمیم بگیرد.

۳ - کمیسیون همچنین نتیجه گرفت که در شرایط کنونی به خاطر آنکه گردانندگان (آی. اس. سی) و سازمان‌های ملی از موضع متری کنفدراسیون آگاه شوند و اعتراض کنفدراسیون را به کنفرانس بین‌المللی احساس کنند عضویت ما از شکل پیوسته به وابسته تغییر پیدا کرده و هیات‌های نمایندگی ما نقش افشاگری و روشنگری خود را در درون کنفرانس در میان سازمان‌های دانشجویی ادامه دهد. بدین صورت کنگره منشور کوسیک را به علت ماهیت ارتجاعی آن قاطعانه رد می‌کند.

درباره اتحادیه بین‌المللی دانشجویان (آی. یو. اس. I. U. S)

کمیسیون شکل عضویت در اتحادیه بین‌المللی دانشجویان را مورد شور قرار داد و نتیجه گرفت که عضویت پیوسته در شرایط کنونی صحیح است. عضویت پیوسته امکانات عملی بیش‌تری از اشکال دیگر عضویت به وجود می‌آورد و دفاع از اصول و سنت‌های کنفدراسیون را که در مصوبات و قطعنامه‌هایش آمده است و باید در دستور کار هیئت نمایندگی‌های ما باشد مقدور می‌کند.

هیئت‌های نمایندگی کنفدراسیون باید به ویژه با دفاع پی‌گیر از حقوق خلق‌های آسیا - آفریقا و آمریکای لاتین و مشی ضد کلونیالیستی و ضد امپریالیستی - بهر شکل آن - کوشش کرده و در جهت ایجاد شرائط دموکراتیک کافی گام بردارند که درخور اهمیت فراوان است. کمیسیون امور بین‌المللی پس از شور زیاد درباره نتایج اقدامات هیات دبیران در زمینه تامین عضویت

کنفدراسیون در اتحادیه بین‌المللی دانشجویان (آی. یو. اس) و پس از تشکیل سوکمیسیون که مامور رسیدگی به اعلامیه مشترک دو هیات نمایندگی کنفدراسیون و توسو گردید چنین اظهارنظر کرد:

با آنکه اعلامیه مشترک از اشتباهات و نقائص تاریخی عاری نیست و اعضای هیات نمایندگی خود نیز بدین امر اذعان دارند با توجه به اینکه هیات نمایندگی به خاطر تأمین هر چه زودتر حق کنفدراسیون در به دست آوردن کرسی خود در اتحادیه بین‌المللی دانشجویان حداکثر حسن نیت و نرمش ممکن را در تنظیم اعلامیه از خود نشان داده است کمیسیون ماده واحده زیر را تصویب می‌کند.

ماده واحده

الف - تصمیمات سوکمیسیون

ب - فرم عضویت :

ششمین کنگره کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی اعلامیه مشترک هیات‌های نمایندگی کنفدراسیون و (توسو) را به عنوان مدرکی که از تاریخ عضویت کنفدراسیون در اتحادیه بین‌المللی دانشجویان (آی. یو. اس) به مثابه تنها نماینده قاطبه دانشجویان ایرانی حائز اعتبار خواهد شد مورد تأیید قرار می‌دهد.

کنگره ششم کنفدراسیون دانشجویان ایرانی نظر و استنباط خود را در باره اعلامیه هیات نمایندگی این سازمان و توسو بشرح زیر بیان می‌دارد:

۱ - منظور از تاریخ ۱۳۳۸ (۱۹۵۹) در بند دو از اعلامیه مزبور تاریخ شروع مجدد فعالیت‌های دانشجویی در خارج از کشور می‌باشد که پایه تشکیل کنفدراسیون گردید.

۲ - بنا به استناد گزارش هیات نمایندگی از مذاکرات شفاهی و مراجعه به متن انگلیسی اعلامیه که کلمه (dissolve) در آن ذکر گردیده لغت (وحدت) در بند دو جمله "با کنفدراسیون جهانی دانشجویان وحدت می‌کند" مفهومی جز انحلال توسو در داخل سازمان ملی دانشجویان ایران یعنی کنفدراسیون ندارد.

۳ - مفهوم ماده ۴: در صورت عضویت اتحادیه‌هایی از دانشجویان ایرانی کشورهای سوسیالیستی در کنفدراسیون هیچ‌گونه تبعیضی برای واحدهای کنفدراسیون بوجود نیامده و در واقع کنفدراسیون بنا به سنت خود از هر کادر ورزیده‌ای جهت اعزام به کنگره‌های بین‌المللی استفاده می‌کند.

اعلامیه

هیات دبیران اتحادیه بین‌المللی دانشجویان برای اجرای مصوبات کنگره هشتم آی. یو. اس. در صوفیه در مورد حل مساله عضویت کنفدراسیون در اتحادیه آی. یو. اس. از هیات‌های نمایندگی کنفدراسیون و توسو دعوتی برای انجام ملاقات بین این دو هیات به عمل آورد. هیات دبیران اتحادیه به دو هیات نمایندگی توصیه کرد که این مساله را مورد بررسی قرار دهند و خود در حل آن به کوشند. این ملاقات بین دو هیات نمایندگی از تاریخ ۱۱-۱۱-۱۹۶۶ تا ۱۴-۱۱-۱۹۶۶ در پراگ صورت گرفت.

دو هیات نمایندگی در محیطی دوستانه مسائل جنبش دانشجویان ایرانی را در گذشته و حال مورد بحث قرار دادند و جریان تکامل اشکال گوناگون سازمانی آن را در دوره‌های مختلف ارزیابی کردند و به نتایج کلی زیرین رسیدند.

۱ - سازمان دانشجویان دانشگاه تهران (توسو) در سال‌های قبل از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به مثابه سازمان دموکراتیک و مترقی دانشجویی در ایران، منعکس کننده منافع دانشجویان ایرانی بوده و با مبارزه خود در راه مطالبات صنفی و سیاسی دانشجویان و به عنوان بخشی از نهضت ملی و ضدامپریالیستی ملت ایران نقش برجسته و افتخارآمیزی را ایفاء کرده است.

پس از کودتا دانشجویان دانشگاه تهران به رهبری توسو در صفوف مقدم مقاومت و مبارزه بر ضد تسلط مجدد ارتجاع قرار داشتند و در این راه قربانی‌های فراوان دادند که نمونه برجسته آن واقعه ۱۶ آذر ۱۳۳۲ بوده است. ولی رژیم ترور و اختناق در این دوران امکان فعالیت علنی را از "توسو" سلب کرد. با این همه نمایندگان "توسو" در اتحادیه بین‌المللی دانشجویان از هر فرصتی برای منعکس کردن مبارزات حق طلبانه نهضت دانشجویان ایرانی در مجامع بین‌المللی و پشتیبانی از این جنبش استفاده کرده‌اند و در این مورد نقش مثبت و مهمی داشته‌اند.

۲- در اثر اوج مجدد نهضت ملی و دموکراتیک در ایران و وجود آزادی نسبی در خارج از کشور دانشجویان ایرانی در کشورهای مختلف بتدریج متشکل شدند و در سال ۱۳۳۸ (۱۹۵۹) کنفدراسیون جهانی دانشجویان ایرانی را بوجود آوردند. "نوسو" به شهادت اظهارات نمایندگان خود در مجامع بین‌المللی دانشجویی و همچنین قطعنامه‌های مختلف اتحادیه بین‌المللی، مجموعه فعالیت‌های کنفدراسیون را به خصوص در مبارزه ضد استبدادی و ضدامپریالیستی و همچنین در دفاع از حقوق و منافع دانشجویان ایرانی مثبت ارزیابی می‌کند و مورد تأیید قرار می‌دهد. "نوسو" با علم به اینکه اختناق در کشور امکان هرگونه فعالیت را از دانشجویان سلب کرده است و همچنین با آگاهی از امکانات بالنسبه وسیع کنفدراسیون برای فعالیت‌های علنی دانشجویی و خصلت دموکراتیک کنفدراسیون معتقد است که کنفدراسیون در وضع کنونی مناسب‌ترین شکل را برای ادامه سنت‌های جنبش دانشجویی ایران بوجود آورده است و به همین جهت شایسته است که از طرف تمام نیروهای ملی و دموکراتیک ایران مورد تأیید و پشتیبانی قرار گیرد. در همان حال با توجه باینکه "نوسو" هوادار وحدت تمام نیروهای مترقی و دموکراتیک دانشجویی کشور است و این وحدت را عامل موثری برای توسعه بیش‌تر جنبش دانشجویی می‌داند و با اعتقاد به این که عضویت کنفدراسیون را در اتحادیه بین‌المللی که سازمان مترقی و دموکراتیک جهانی دانشجویی است گام مثبت و موثری می‌داند. علی‌رغم وجود راه حل‌های دیگری معیذا برای کمک به هدف‌های فوق‌الذکر با کنفدراسیون جهانی دانشجویان وحدت می‌کند.

هیات نمایندگی "نوسو" متعهد می‌شود که بر مبنای مندرجات این اعلامیه در کنگره نهم اتحادیه بین‌المللی دانشجویان از عضویت کنفدراسیون در اتحادیه بین‌المللی به عنوان تنها نماینده قاطبه دانشجویان ایرانی طرفداری نماید.

۳ - هیات نمایندگی کنفدراسیون معتقد است که کنفدراسیون قبل از بررسی کامل و استفاده از تمام امکانات درباره حل مساله عضویت خود در اتحادیه بین‌المللی پیش‌داوری‌های نادرستی نسبت به نتایج تماس‌های نزدیک با "نوسو" کرده است. چنین پیش‌داوری‌هایی باعث بوجود آوردن محیط نامساعدی در سازمان‌ها گردید که نمی‌توانست کمکی به حل مساله بنماید. این امر موجب تاسف هیات نمایندگی کنفدراسیون می‌باشد.

نتایج مثبت مذاکرات حاضر نشان داده است که بهتر بود باب مذاکرات خیلی پیش از این گشوده می‌گردید زیرا با توجه به محیط حسن تفاهم کاملی که برجلسات مذاکرات حکم‌فرما بود مطمئنا از ایجاد پاره‌ای سوء تفاهمات که در مصوبات کنگره‌ها و سمینارهای کنفدراسیون منعکس گردیده است جلوگیری می‌شد.

۴ - هیات نمایندگی کنفدراسیون تأکید می‌کند که بنا به سنتی که در کنفدراسیون موجود است در ترکیب هیات‌های نمایندگی خود در کنفرانس‌ها و کنگره‌های بین‌المللی از کادرهای ورزیده سازمان‌های عضو خود و از جمله سازمان‌های دانشجویان ایرانی در کشورهای سوسیالیستی استفاده خواهد کرد.

درباره مسائل بین‌المللی کنفدراسیون

- اتحادیه بین‌المللی دانشجویان IUS
- کنفرانس بین‌المللی دانشجویان ISC
- درباره سازمان‌های دانشجویی سه قاره.
- روابط کنفدراسیون با سازمان‌های ملی دانشجویی.

اتحادیه بین‌المللی دانشجویان

پس از پیروزی بر فاشیسم، جنبش آزادی‌بخش ملی و توده‌ای رشد بی‌سابقه‌ای یافت و جنبش دانشجویی در جهان تحت تأثیر این پیروزی و با الهام از هدف‌های مترقی این پیروزی در راه تشکل خود در مقیاس جهانی گام‌های موثری برداشت. در سال ۱۹۴۵ سازمان‌های دانشجویی کشورهای جبهه ضد فاشیسم برای به وجود آوردن یک اتحادیه بین‌المللی دانشجویی و به خاطر جلوگیری از احیاء فاشیسم، دفاع از صلح، مبارزه علیه استعمار و برای استقلال ملی، بسط دموکراسی، دفاع از حقوق و منافع جوانان و دانشجویان یک کنفرانس تدارکی در لندن تشکیل دادند. پس از این کنفرانس "اتحادیه بین‌المللی دانشجویان" در اوت ۱۹۴۶ در پراگ پا به عرصه وجود گذاشت. بدین ترتیب اکثریت اتحادیه‌های دانشجویی آن زمان در اتحادیه بین‌المللی متشکل شدند. اما دیری نپایید که

امپریالیست‌ها و در رأس آن‌ها امپریالیسم امریکا، با دسایس گوناگون علیه این سازمان بین‌المللی دانشجویی دست به تبلیغ و تحریک زدند و در سال ۱۹۴۸ انشعابی را در این سازمان به وجود آوردند. علی‌رغم تمام تشبیهات امپریالیست‌ها و کارزار تبلیغاتی عجیبی که علیه اتحادیه بین‌المللی صورت گرفت سازمان‌های مترقی دانشجویی آن زمان که در داخل اتحادیه متشکل بودند به طور پی‌گیری از آرمان‌ها و هدف‌های این سازمان دفاع کردند و در گسترش جنبش دموکراتیک دانشجویی در مقیاس بین‌المللی از هیچ کوششی دریغ نمودند.

در ده سال اخیر و به ویژه در چند سال گذشته اتحادیه تحت نفوذ و تاثیر کشورهای اروپای شرقی و در رأس آن‌ها شوروی به تدریج در عمل از خط مشی اصولی و مبارزه‌جوی خود دوری جست. اتحادیه بین‌المللی دیگر مبارزه علیه امپریالیسم را به بیان جملات پرطنین و آراسته اما بدون هرگونه پشتوانه عملی تبدیل کرد و در زیر پا نهادن خط مشی مترقی و ضد امپریالیستی جنبش دانشجویی جهانی تا به آنجا پیش‌رفت که تحت عنوان "گسترده کردن" اتحادیه، هر سازمان دانشجویی را صرف نظر از محتوایش در درون خود می‌پذیرد و تحت عنوان وحدت جنبش دانشجویی حتی پس از افشای روابط کوسک با سازمان جاسوسی امریکا همچنان می‌کوشد زمینه وحدت با این سازمان را فراهم آورد.

طبیعی است که خط مشی اتحادیه با مقاومت سازمان‌های مبارز و مترقی درون آن رو به رو شد و در داخل اتحادیه مبارزه بر سر دو خط مشی اوج گرفت. هم‌اکنون بسیاری از سازمان‌های عضو عملاً از اتحادیه دوری جست‌ه‌اند و عدم توافق خود را با برنامه‌ها و عملکرد اتحادیه به کرات ابراز داشته‌اند. اینان با مشی‌ای که گردانندگان اتحادیه می‌خواهند به جنبش دانشجویی تحمیل کنند مخالفت ورزیده، با این خط مشی نادرست مبارزه کرده و می‌کنند. دیگر روشن است که وضعیت کنونی اتحادیه عملاً نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای مبرم جنبش دانشجویی بین‌المللی باشد و در اعتلای این جنبش که به خصوص در دو سه سال اخیر به طور جهشی رشد یافته است، موثر واقع افتد. خط مشی نادرست و ترکیب ناهمگون سازمان‌های عضو اتحادیه بین‌المللی به اتحادیه اجازه نخواهد داد که برای مدت درازی دوام بیاورد و ناگزیر دیر یا زود اتحادیه از داخل به خاطر تضادهای درونیش منفجر خواهد شد. بدون شک در مبارزه حادی که میان دو خط مشی درگیر است، پیروزی از آن سازمان‌هایی است که مدافع خط مشی صحیح هستند. بنابراین کنفدراسیون باید تا روزی که امکان مبارزه در درون اتحادیه بین‌المللی موجود است در صف اول همراه با سایر سازمان‌های مترقی با برنامه مشترکی علیه خط مشی نادرست غالب در اتحادیه مبارزه کند.

در جریان این مبارزه است که پیوندی عمیق بین سازمان‌های مبارز به وجود خواهد آمد و جنبش مترقی و دموکراتیک دانشجویی در مقیاس جهانی، اشکال مناسب سازمانی خود را خواهد یافت.

برخورد کنفدراسیون به اتحادیه بین‌المللی دارای سابقه‌ای است که به نوبه خود باید در زمان مناسب در اجزاء خود شکافته شود و مورد بررسی همه‌جانبه قرار گیرد. زمانی که کنفدراسیون به عضویت اتحادیه بین‌المللی درآمد، امید آن می‌رفت و تصور می‌شد که در داخل اتحادیه هنوز امکان استفاده از یک پلاتفرم بین‌المللی، به‌خاطر کسب پشتیبانی از خواست‌های کنفدراسیون موجود است. با این که شناخت از اتحادیه بین‌المللی در حدی بود که کنگره ششم (کنگره فرانکفورت) در بحث‌های خود با آن برخوردی انتقادی داشت ولی با تکیه بر امکان استفاده جهت انعکاس مبارزات دانشجویان ایران و دفاع پی‌گیر از یک مشی ضد کلنیالیستی و ضد امپریالیستی در جنبش دانشجویی در درون اتحادیه، عضویت در اتحادیه را تصویب کرد.

تجربه مدت کوتاه عضویت نشان داد که سازمان‌هایی که خواهان پیروی از یک مشی مترقی، ضد امپریالیستی و مستقل هستند و به خط مشی حاکم در اتحادیه بین‌المللی نقادانه برخورد کرده و آن را طرد می‌نمایند به شیوه‌های گوناگون از امکاناتی که اتحادیه در اختیار طرفداران خط مشی خود می‌گذارد محروم می‌شوند و رهبری اتحادیه آن‌ها را در سرنوشت اتحادیه شرکت نمی‌دهد. (مراجعه شود به مناسبات اتحادیه با کنفدراسیون از زمان عضویت تا امروز) همه این‌ها نتیجه طبیعی خط مشی نادرست است که در اتحادیه حاکم است و در بالا از آن یاد شد.

این جمع‌بندی کنفدراسیون از اتحادیه بین‌المللی بر اساس تجربیات مستقیم و تحلیل منطقی واقعیت اتحادیه و ترکیب آن به دست آمده‌است و ضرورت دارد که کنفدراسیون در دفاع از آن در داخل و خارج اتحادیه به سود خط مشی اصولی در جنبش جهانی دانشجویی و روشن کردن هرچه بیش‌تر وظایف مبرم این جنبش اقدام نماید و سازمان‌های مترقی دانشجویی را در گرد این خط مشی به مبارزه بکشاند.

نکاتی که باید به طور اساسی در رابطه کنفدراسیون با اتحادیه در نظر گرفته شود:

- ۱ - هیئت دبیران و یا کمیسیونی تحت نظر هیئت دبیران قبل از شرکت در کنگره آینده اتحادیه بین‌المللی نظرات کنفدراسیون درباره اتحادیه را جمع‌بندی و در اختیار سازمان‌های عضو بگذارد.
- ۲ - باید از طرف کنفدراسیون برخوردی انتقادی نسبت به اعلامیه‌ها و مجموعه فعالیت‌های اتحادیه در فاصله میان دو کنگره آن بشود.
- ۳ - لازم است کنفدراسیون با سازمان‌های مخالف خط مشی اتحادیه بین‌المللی به بحث و تبادل نظر در پیرامون این خطر مشی بپردازد.
- ۴ - هیئت دبیران باید جهت شناساندن سازمان‌های عضو اتحادیه به واحدهای کنفدراسیون اقدام نماید.

درباره کنفرانس بین‌المللی دانشجویان (کوسک)

با این که کنفدراسیون قبل از افشای روابط کوسک با سازمان‌های جاسوسی امریکا (سیا)، استراتژی خروج از این سازمان را به تصویب رساند و بلافاصله پس از افشای این روابط به درستی موضع گرفته و از این سازمان خارج گردید و این برخورد منطقی و متریقی بود، معیناً نادرست است اگر روابط خود با این سازمان را در چنین اقدامی خلاصه کنیم. کنفدراسیون باید مجموعه مناسبات خود با کوسک و نوسانات آن را ارزیابی کرده و موضع خود در این باره را روشن نماید.

کنگره لوزان ادامه عضویت در کوسک را که قبلاً بدون مراجعه به نظرات سازمان‌های دانشجویی صورت گرفته بود، تصویب می‌کند (که این نیز به نوبه خود نادرست است). علاوه بر این در کنگره ارزیابی ناصحیحی از کوسک می‌شود. با توجه به شناخت محدود واحدهای کنفدراسیون از کوسک چنین ارزیابی نادرستی، به ایجاد تصویر غیر واقعی از این سازمان منتهی می‌شود. در این کنگره کوسک از طریق نماینده خود و تأیید کنگره به عنوان سازمان معرفی می‌گردد که نه تنها با صمیمیت از مبارزه دانشجویان ایرانی حمایت کرده و با همه امکانات به آن یاری می‌رساند بلکه مبارزه با رژیم‌های دیکتاتوری، کاپیتالیست‌ها، با استعمار و استعمار نوین، با تبعیض نژادی و بی‌عدالتی‌های اجتماعی در سرلوحه کار آن قرار دارد. در حالی که ترکیب رهبری، فعالیت و خط مشی کوسک خلاف این نظر را نشان می‌دهد.

کنفدراسیون به تدریج مبارزه علیه این سازمان را آغاز می‌کند، ولی این مبارزه تا تصویب منشور کنفرانس به طور ناپیگیر و محدود انجام می‌گیرد. پس از تصویب منشور مبارزه ما در درون این سازمان شکل گرفته و عده‌ای از سازمان‌های مترقی را نیز به دنبال خود می‌کشاند، ولی کنفدراسیون با وجود قاطعیت در این مبارزه منشور کوسک را به طور صوری قبول می‌کند. با توجه به رشد نسبی کنفدراسیون و اعضای آن در زمان تصویب منشور و آگاهی نسبت به ماهیت کوسک، باید قبول صوری منشور را در شمار موضع‌گیری‌های نادرست گذشته آورد و نقادانه با آن برخورد نمود و درضمن باید اضافه نمود که با خروج از کوسک وظیفه ما در مبارزه علیه این سازمان برنامه عمل و خط مشی آن پایان نیافته است. کنفدراسیون باید به طور مداوم و پی‌گیر به مبارزه علیه خط مشی این سازمان، به خاطر افراد کامل آن و سازمان‌هایی که استخوان‌بندی آن را می‌سازند، ادامه دهد.

درخاتمه اشاره به این مطلب ضروری است که این موضع با موضع کسانی که پس از افشا روابط کوسک با (سیا) در لباس دلسوزی نسبت به جنبش ولی در واقع به منظور ایجاد تزلزل در وحدت دانشجویان ایران، کنفدراسیون را مورد حمله قرار دادند، ماهیتاً تفاوت دارد. آن‌ها نه به خاطر یک برخورد نقادانه و اصولی به کنفدراسیون و در نظر گرفت سیر و رشد آن، بلکه درست به خاطر ضربه زدن به جنبش دانشجویی، با استفاده از فرصت افشای این روابط، از طریق توسل به اتهام، تحریف و دروغ‌پردازی، کارزار تبلیغاتی بی‌سابقه‌ای علیه کنفدراسیون و کارهای آن به راه انداختند. جالب این جاست که غیراصولی بودن آنان تا به آنجا می‌رسد که آشکار از یک سو به دفاع از همکاری و وحدت اتحادیه بین‌المللی با کوسک می‌پردازند و از سوی دیگر دانشجویان ایرانی را به خاطر عضویت کنفدراسیون در این سازمان به تحریک علیه تمام موجودیت کنفدراسیون دعوت می‌کنند. ولی دانشجویان ایرانی به درستی چنین موضعی را طرد و محکوم ساخته‌اند.

سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم

مندرج در بخش: (کنگره ششم کنفدراسیون جهانی و ادامه مبارزه بر سر روابط خارجی)

متن سخنرانی هیأت نمایندگی کنفدراسیون در دفاع از قطعنامه کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان

کنگره نهم اتحادیه بین المللی دانشجویان در شهر اولان باتور پایتخت مغولستان در سال ۱۹۶۷ برگزار شد

متن سخنرانی هیأت نمایندگی کنفدراسیون در دفاع از قطعنامه کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در نهمین کنگره اتحادیه بین المللی دانشجویان

آقای رئیس و آقای عزیز

در طرح و دفاع از این قطعنامه ما بایراد یک سخنرانی برپایه گفتارهای ذهنی نخواهیم پرداخت. بلکه استدلال خود را برپایه حقایق عینی تاریخی که مربوط به محتوی این قطعنامه میگردد بنا خواهیم کرد. ما انتظار داریم کسانی که در این بحث شرکت خواهند کرد این نقش را بیکار برند. فکر نمیکنیم در زمینه آن قسمت از این قطعنامه که مربوط میشود به نشان دادن وابستگی شدید شاه به امریالیسم آمریکا ویا نقش استثمارگران جهانی در ایران و روشی که از طرف این گروه برای کنترل حکومت در ایران بکار میرود احتیاجی به عرضه کردن بحث جداگانه ای باشد. چه اولاً بنظر ما در اتحادیه بین المللی دانشجویان تردیدی در این مورد وجود ندارد و ثانیاً موضع گیری های گذشته این اتحادیه که در قطعنامه هایش درباره ایران منعکس گردیده بخوبی این نظریه را تأیید میکند. ولی بنظر ما ضروری است درباره آن بخش از این قطعنامه که مربوط میشود به کمکهای مادی و معنوی که رژیم ایران اخیراً بصورت روزافزون از برخی از کشورهای سوسیالیستی دریافت میکند و همچنین فروش اخیر اسلحه به دولت شاه بوسیله اتحاد جماهیر شوروی به تفصیل صحبت شود.

شاه در آخرین بازدید خود از برخی کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی از استقبال برخوردار گردیده که در مورد رژیم یک دولت دوست اجرا میگردد. مهمانیهای متعدد و بافتخار او ترتیب داده شد. سخنرانیهای زیبایی در مدح او ایراد گردید و بوی حتی درجه دکتری افتخاری از طرف چند دانشگاه اعطاء گردید.

شاید گفته شود که چنین اعمالی جزئی از اصول دیپلماسی است ولی نظری بروش اجرا این اعمال نشان میدهد که آنچه شد بعراتب بیش از اجرای اصول معمولی دیپلماسی است.

رؤسای سه کشور سوسیالیستی که شاه در سال ۱۹۶۶ از آنها بازدید کرد درباره وی چنین گفتند:

رئیس جمهور کشور سوسیالیستی لهستان گفت: " اعلیحضرتا! ما صمیمانه ورود شاهنشاه و شهبانوی ایران را لهستان تهنیت میگوئیم و خوشوقتم که رهبر کشور کهنسالی"

مارشال تیتو گفت: " تحت رهبری آن اعلیحضرت ایران بخصوص در سالهای اخیر موفقیتهای عظیمی در زمینه پیشرفت های اقتصادی - اجتماعی و توسعه اقتصادی کسب کرده است و همچنین در زمینه داخلی و چه در زمینه جهانی بموفقیت های عظیمی نائل گردیده است."

رئیس جمهور مجارستان گفت: " همچنین افتخار میکنم درودهای خود را تقدیم ملت ایران نمایم که تحت رهبری شاهنشاه آریامهر موفق با اصلاحات اجتماعی و اقتصادی عظیم بمنظور ایجاد یک اقتصاد مترقی و یک صنعت نوین در کشور وریشه کن کردن بیسواد و پیشرفت وضع اجتماعی زنان ایران شده است."

رؤسای جمهوری این کشورها در مدحی از شاه وی را رهبر مردم ایران خطاب میکنند و چنین جلوه میدهند که او مردی است که برای پیشرفت های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در ایران شب و روز در تلاش است.

حال ببینیم حقیقت چیست:

استعمارگران انگلیسی و آمریکایی پس از ملی شدن صنایع نفت در سال ۱۹۵۱ کوششهای زیادی بکار بردند تا شرایط خود را برای بدست آوردن کنترل مجدد بر این صنایع به دولت صدق تحصیل کنند. پس از شکست این کوششها استثمارگران یگانه امید خود را در سرنگونی دولت صدق و استقرار یک دولت دست نشانده و مطیع بجای او دیدند.

برای عملی کردن این نقشه " سیا " و عاملین ایرانی او وارد کار شدند. " سیا " در مرداد ۱۳۳۲ در تجاوز بیشترانه خود موفق شد و دولت دکتر صدق که در تاریخ دو قرن گذشته ایران اولین دولتی بود که از پشتیبانی قاطبه مردم برخوردار بود سرنگون گردید. شرح این تجاوز آمریکا علیه مردم ایران در کتابها و مجلات مختلفی منتشر شده است. ما اطمینان داریم که نمایندگان حاضر در این کنگره درباره این کودتا مطلع میشوند و تنها بذكر نمونه اکتفا میکنیم.

سازش ایونیچک پست در شماره ۶ نوامبر ۱۹۵۴ نوشت: " یکی دیگر از پیروزیهای " سیا " دخالت موفقیت آمیز او در تابستان ۱۹۵۳ در ایران است که رژیم دیکتاتوری صدق را سرنگون کرد و دولت این کشور (آمریکا) محمد رضا شاه پهلوی را بر تخت طاووس مستقر ساخت."

نیویورک تایمز مورخ ۵-۱۶۶۶ مینویسد: " سیا نقش اصلی را در سرنگون کردن دولت دکتر صدق در ۱۹۵۳ ایفا کرد."

-۲-

آمریکاییها خود اعتراف میکنند که این "سیا" بود که شاه را علیه خواست و منافع مردم ایران به قدرت بازگرداند ولی رهبران برخی از کشورهای سوسیالیستی این عروسک امپریالیستها را رهبر مردم ایران خطاب میکنند. زهی بیشمرقی! پس از کودتای ۱۹۵۳ حکومت مزدور در ایران برقرار گردید. بمنظور حفاظت بهتر از منافع اربابانش یعنی مونیپولهای نفتی آمریکائی و انگلیسی و برای درهم شکستن هرگونه مقاومت علیه رژیم استبداد شاه به دستور وی موجی از بازداشت تمام کسانی که جرات کرده بودند علیه نفوذ و دخالت بیگانه در سرنوشت مردم ایران بپا خیزند و برای مستقر ساختن يك حکومت مترقی و دموکراتیک مبارزه کنند و کسانی که رسیدن باین هدف فاسد را در برچیده شدن بساط رژیم سلطنتی در ایران میدانستند آغاز کردند.

هزاران نفر از افراد مترقی و شگنجه شدند. عده زیادی در زیر شکنجه های قرون وسطائی جان دادند و از سرنوشت صدها نفر دیگر حتی تا امروز اطلاعی در دست نیست. خون هزاران جوان ایرانی در بین آنان کونیستها - روشنفکران - آزادخواهان و غیره ریخته شد. در سپتامبر ۱۹۵۳ پلیس برای دستگیری عده ای بدانشگاه حمله برد و سه تن دانشجو را در کلاس درس بضرب گلوله از پای درآورد. دیگر جان کسی در امان نبود. هر فردی را بعنوان مصدق ویا کونیست دستگیر میکردند و یکبار نیستی میفرستادند. ما میتوانیم تنها شبیه آنچه که در آن دوران در ایران بوقوع پیوست را در تجاوز دیگر "سیا" علیه حکومت مترقی اندونزی در سال ۱۹۶۶ مشاهده کنیم. شاید هرگز معلوم نشود که چند هزار نفر از مردم بیگانه در این دوران وحشت در ایران کشته شدند. تمام این اعمال بمنظور حفاظت از منافع عظیم امپریالیستها و ماطلین ایرانی آنها و برای دریند نگهداشتن مردم ایران تحت شدیدترین خفکان ها صورت گرفت.

خطاب کردن کسی که دستش بخون هزاران میهن پرست ایرانی آغشته است بعنوان رهبر مردم ایران تجدید از نوکران امپریالیسم است! در سالهای بین ۶۰ - ۱۹۵۴ يك فعالیت سیستماتیک بوسیله پلیس فاشیستی رژیم آغاز گردید. هدف این فعالیت این بود که آنچه از سازمانهای سیاسی هنوز باقی مانده بود درهم شکسته شود و افرادی را که رژیم برای حیاتش خطرناک تشخیص میداد از بین ببرند. دکتر حسین فاطمی وزیر انقلابی دکتر مصدق که در روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ برادر قصرهای شاه بنام ملت ایران قتل زد دستگیر شد. وی را در حال بیماری سختی شکنجه دادند و در آن حال محاکمه کردند و وی را از تخت بیمارستان مستقیم به میدان تیرباران بردند. دسته مشخصی برای شکار اعضاء حزب توده بوجود آمد. پس از بدست آوردن رمز قسمتهای مختلف سازمانهای این حزب - موج جدیدی از بازداشت و شکنجه آغاز گردید. صدها نفر دستگیر شدند. در بین این عده افسران شبکه نظامی حزب توده - روشنفکران و کارگران نیز بودند. ۷۱ افسر بمرح محکوم کردند که از این عده ۲۱ نفر تیرباران شدند. ۱۹۲ نفر به حبس آمد - ۱۱۹ نفر به پانزده سال و ۱۶۳ نفر به زندانهای از سه تا ده سال محکوم گردیدند. تنها گناه این عده این بود که بمیهن و ملت خود عشق میورزیدند و میکوشیدند مردم خود را از زیر یوغ امپریالیسم آزاد کنند. رژیم همچنین موفق شد خسرو روزبه کونیست انقلابی را دستگیر کند. وی نیز بعدا تیرباران شد.

نامیدن مردی که مسئول فرستادن اینهمه میهن پرست ایرانی - در بین آنها تعداد زیادی کونیست - به تیرهای اعدام میباشد کسی که زندانهایش را بابیش از بیست هزار نفر "متهمین سیاسی" پر کرده است و بالاخره کسی که مسئول بوجود آوردن سیاهترین دوران خفکان در ایرانست بعنوان رهبر مردم ایران توهین بملت ایران است.

شاه در ۱۴ سال حکومت ظالمانه خود لحظه ای از ارتکاب جنایت علیه خلق ایران غافل نبوده و بپاکار بردن وحشیانه ترین و ظالمانه ترین روشها آنچه در قدرت دارد بکار برده تا حکومت خود بدرنتیجه ادامه نفوذ خارجی را بر مردم ایران تضمین نماید.

دانشجویان دانشگاه تهران برای روز اول بهمن ۱۳۴۱ ترتیب يك تظاهرات را داده بودند. آنها میخواستند خواست خود را برای انجام انتخابات آزاد و همچنین آزادی دانش آموزانی که در تظاهرات قبلی دستگیر شده بودند با اطلاع دولت برسانند. ولی قبل از شروع تظاهرات چتریان و پلیس شاه دانشگاه را مورد حمله قرار دادند. رئیس دانشگاه دراستعفا خود به نخست وزیر وقت این حمله را چنین توضیح کرد:

"در تعقیب مذاکرات ما در ساعت ۱۱ صبح سربازان و چتریان دانشگاه تهران را اشغال کردند. هیچ دلیل و بهانه ای برای پایمال کردن حقوق و مقررات دانشگاه وجود نداشت. سربازان و چتریان پس از ورود بدانشگاه پسران و دختران را

-۳-

بدون استثنا مورد حمله قرار دادند. بسیاری از دانشجویان تاسرحد مرگ مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. "من تاکنون این اندازه بیرحمی سادیسیم و خشکی و خرابکاری را از طرف نیروهای دولتی نه دیده و نه شنیده ام...". در روزهای ۱۳ تا ۱۵ خرداد تظاهرات وسیعی در سراسر کشور برای اعتراض بحکومت خفقان و استبدادی شاه صورت گرفت. تنها در تهران در ظرف چند ساعت بیش از ۴ هزار نفر از تظاهرکنندگان به ضرب گلوله کشته شدند. سالهاست که ارتش شاه ساکین فارس در جنوب ایران را بیرحمانه قتل عام میکند. احشام آنانرا که تنها وسیله زندگی شان است از بین میبرد تا آنها را وادار به تسلیم نماید.

تنها در ۱۸ ماه بین ۱۹۶۶ - ۱۹۶۵ تعداد ۴۲ حکم اعدام از ادگاههای غیرقانونی نظامی صادر شده است. تلقی کردن کسی که بخود میبالد در سایه جنایات پلیس فاشیستی اش بکشور "امنیت" داده است کسی که از سرزمینی بلکشتار مبارزین راه آزادی ایران قبرستانی بوجود آورده است بعنوان رهبر مردم ایران خیانت مردم ایران در مبارزه اش علیه شاه و امپریالیسم است. این همانند آنستکه همکیش مارشال کی رهبر مردم ویتنام خطاب شود. زیرا شاه که از طرف برخی از کشورهای سوسیالیستی بعنوان رهبر مردم ایران نامیده شده است کسی است که علیرغم خواست مردم ایران برای مارشال کی نفت میفرستد تا تانکهای او بتوانند روستاهای ویتنام را گلوله باران کنند و زن و بچه های ویتنام را بخون بکشند. به ویتنام تیم پزشکی و پرستار اعزام میدارد تا جانباين امریکایی و مزدوران ویتنامی آنها را درمان کنند. آنها بهتر برای کشتار خلق ویتنام آمادگی داشته باشند.

رؤسای جمهوری لهستان - مجارستان و یوگسلاوی از پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در سالهای اخیر تحت رهبری شاه صحبت میکنند. ببینیم حقایق چگونه اند:

در دویست سال گذشته مردم ایران در زیر سلطه و نفوذ بیگانه بسر بردند. در ایران استعمارگران از ابتدا شیوه دیگری بکار بستند. استعمارنو را سالیان درازی است که می شناسیم. ایران همیشه از استقلال صوری برخوردار بوده است و در کشور ما هرگز حکومت مستقیم استعمار برقرار نگردید.

بخاطر فساد عمیقی که در دربار سلطنتی وجود داشت (البته فساد یکی از صفات ذاتی هر درباری است) استعمارگران از طریق قرار دادن کسانی که خود را در خدمت آنها قرار داده بودند توانستند به تدریج اختیار داشتن مسند های اصلی و مهم منافع عظیم اقتصادی و سیاسی خود را محافظت کنند. این جبهه متحد استعمارگران و جیره خوران ایرانی آنها هتل بسیاری از کشورهای سه قاره علت اصلی عقب ماندگی بیسواد فقر و مرهم در ایران بوده است. سلسله سلطنتی کونی در ایران که بوسیله پدر شاه فعلی (که يك افسر بیسواد بود) استثنائی از این امر نمیشاند. وظیفه اصلی این سلسله در این بود که ادامه سلطه جابرانه استعمار انگلستان در ایران را ممکن سازد. پدر این شاه از طریق دخالت مستقیم ادامه جاسوسی انگلستان در سال ۱۹۲۵ در ایران مستقر گردید. درست همانطور که پسر او (شاه فعلی) در ۱۹۵۳ بوسیله دخالت مستقیم "سیا" سلطنت خود را باز یافت.

از چه زمانی رهبران برخی از کشورهای سوسیالیستی باین نتیجه رسیده اند که نمایندگان "سیا" و امپریالیسم جهانی در طرف خلق قرار دارند و میتوانند مردم را در پیشرفتهای اقتصادی و اجتماعی رهبری کنند؟ آیا رهبران این کشورها گول تبلیغات شاه و اربابان غربی وی را درباره "انقلاب سفید" - "انقلاب از بالا" و غیره را خورده اند و یا اینکه آنها قصد دارند رژیم شاه را بعنوان يك "آلترناتیو" در برابر حکومت های مرفی شرق میانه مورد پشتیبانی قرار دهند؟

در سالهای ۵۱ تا ۵۳ صدق قدمهایی برای آزاد کردن اقتصاد وابسته ایران از نفوذ خارجی برداشت. او توانست برای اولین بار در تاریخ معاصر ایران صادرات را (بدون در نظر گرفتن صادرات نفت) بر واردات افزایش دهد. پس از کودتای ۱۹۵۳ تحت رهبری شاه و مشاورین آمریکائیش سیاست با اصطلاح "درهای باز" باجرا گذارده شد. برطبق این سیاست ورود کلیه اجناس آزاد گردید. بزودی سیل محصولات غیر صنعتی و غیر ضروری بایران سرازیر شد. در نتیجه واردات بر صادرات بمیزان ده برابر افزایش یافت. در حالیکه صادرات بهمان میزان سال ۱۹۵۳ نگهداشته شد.

ورشکستگی سیاست درهای باز را میتوان از گفتارهای مقامات دولتی مشاهده کرد.

رئیس بانک مرکزی در ۱۹۶۱ در يك مصاحبه مطبوعاتی گفت: "اندوخته ارز خارجی در بانک به صفر رسیده است؛ علی امینی مردی که برای نجات اقتصاد کشور به نخست وزیری انتصاب شد در مصاحبه ای در سال ۱۹۶۱ گفت:

-۴-

"بزرگترین و مهمترین مشکل اقتصادی ایران مشکلی که تمام مردم ایران بدان گرفتار هستند عبارت از پائین بودن سطح زندگی و نبودن کالای مورد احتیاج مردم است و در مقابل گرانی سرسام آور زندگی و نبودن کالای مورد احتیاج - نبودن محل اقامت مناسب و گرانی اجاره منزل و مضرت از همه عدم کفایت و کاردانی مسئولان مربوطه میباشد که نمیتوانند برنامه صحیح و قابل اجرایی جهت پائین آوردن شرایط زندگی و ثابت نگه داشتن قیمت ها و ... ارائه دهند."

در این زمان مجموع بدهی خارجی دولت به بیش از ۸۰۰ میلیون دلار بالغ میشد. در این مورد لازم است توجه کنیم که در همین دوران درآمد دولت تنها از سهام نفت و کمکهای خارجی به سه میلیارد دلار بالغ میشد. علیرغم این درآمد وضع اقتصاد چنان بود که امینی در بالا توصیف کرد و بدهی خارجی دولت بمبلغ ۸۰۰ میلیون دلار میرسید. علت این وضع چه بود؟ علت این امر این بود که اغلب این پولها بحساب شاه و سایر مسئولین عالی دولت در بانکهای سوئیس و آمریکا گذارده میشد و هنوز هم گذارده میشود.

در هشت سال بین ۵۲ - ۶۰ سطح زندگی بطور سرسام آوری ترقی کرد اگر پایه سطح زندگی را در سال ۵۲ به ۱۰۰ بگیریم این پایه در سال ۶۰ به ۱۷۹ یعنی نزدیک به دو برابر ترقی کرد و این آهنگ ترقی هنوز هم ادامه دارد.

در سال ۱۹۵۹ یکی از سناتورهای آمریکائی گزارشی از سفر خود بایران در بولتن سنای آمریکا بچاپ رساند. در این گزارشی در تیریز (دومین شهر بزرگ ایران) ما با چنان فقری مواجه شدیم که شاید آنها در هیچ نقطه ای از جهان نتوان یافت. ما از یک کارخانه قالی بافی دیدن کردیم که در آن ۸۰۰ نفر کار میکردند که ۶۰۰ نفر از این عده را کودکان بین سنین شش تا چهارده تشکیل میدادند.

در همین سال کیهان یکی از روزنامه های وابسته بدولت گزارش داد "در بلوچستان و مهران بیش از ۸۰ درصد ساکنین مبتلا به سقطیس هستند. همچنین خبر داد که در بدهی تمام ساکنین آن در اثر تراخم نابینا هستند."

اینها تنها چند نمونه از وضع زندگی دهقانان و کارگران ایران است. گویا بمعقیده سران بعضی از کشورهای سوسیالیستی اینها پیشرفتهای اقتصادی است که انجام گرفته است.

چه کسی مسئول این همه بدبختی فقر و غیره در ایران است؟ آیا غیر از استعمارگران و همدستان ایرانی آنها که در رأس آنها شاه قرار دارد کسی دیگری باعث چنین وضعی است؟ چگونه میتوان قبول کرد کسانی که خود علت تمام این بدبختی میباشند حال ناگهان تغییر ماهیت داده ناجی مردم شده و برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مردم دست بکار شده اند؟

آیا این گفتار که شاه مردم را در پیشرفتهای اقتصادی رهبری میکند تناقض در خود است.

طبق اظهارات رسد سه صد و بیست و پنج میلیون دلار ساخته شده است. درباره این سدها وزیر کشاورزی چنین اظهار نظر کرده است "ما چند سد ساخته ایم در حقیقت ما دیوارهای بلندی بنا کردیم که پشت آنها دریاچه هایی درست شده که برای قایق رانی و ماهیگیری خوبست. ما شکر نکردیم که وسائل تولید برق و آبیاری در این سدها بسازیم."

آیا سران کشورهای سوسیالیستی چنین اقدامی را پیشرفت تلقی میکنند؟ در اینصورت چرا آنها خود چنین برنامه هایی را بکار نمیبرند؟

رؤسای جمهوری برخی از کشورهای سوسیالیستی درباره پیشرفت های اجتماعی و تغییر موقعیت اجتماعی زنان ایران صحبت کرده اند. ما فکر میکنیم مقصود آنها رفرا ندیم ژانویه ۱۹۶۳ است. در این مورد ما نظر آنها را به حقایق زیر جلب میکنیم.

۱- درباره تغییر موقعیت اجتماعی زنان ایران یا اعطای حق رأی بانان کافی است گفته شود که وقتی شاه با بکار بردن پلیس ۶۰ هزار نفریش تمام حقوق دموکراتیک و ابتدائی مردم را از آنها سلب کرده است و در حالیکه مردان ایرانی که حق رأی داشته اند نمیتوانند آزادانه آنها مورد استفاده قرار دهند صحبت از تغییر موقعیت زنان ایران کردن بیشتر جنبه شوخی پیدا میکند.

۲- ماده ای که وسیله سرودن و تبلیغات زیادی از طرف ماشین تبلیغاتی شاه واریابانش در غرب گردیده است و اخیرا سران برخی از کشورهای سوسیالیستی نیز بکمک این تبلیغات شتافته اند مسئله رفرفرم ارضی است. این ماده بعنوان مهمترین قسمت "انقلاب سفید" شاه در نظر گرفته شده بود. بعلا کمود وقت قصد نداریم یک تجزیه تحلیل طولانی از سیستم کشاورزی ایران بنمائیم. بمظهور نشان دادن ماهیت این رفرفرم بتکات زیر اشاره میکنیم:

الف - زمینها که در اختیار دهقانان گذارده شده برایگان بانها داده نشده بلکه فروخته شده است. این زمینها با قسط پانزده ساله بایبیره سالیانه یک درصد از قیمت کل زمین بد دهقانان فروخته میشود. بدینوسیله دهقانان مثل گذشته

-۵-

بر تحت یوغ ملاکین و فشار مأمورین دولتی باقی مانده اند .

ب - از ۶۵ درصد مجموع زمینهای قابل کشت متعلق بمالکین بزرگ تنها ۹ درصد از بدترین زمینها بد هقانان فروخته شده است . اگر زمینهای خانواده سلطنتی و اوقاف مذهبی را باین ۶۵ درصد اضافه کنیم دیده میشود که فقط ۴ درصد از مجموع زمینهای قابل کشت ایران بد هقانان فروخته شده است و بعلمت شکست این برنامه ادامه آن نیز کند شده است . درباره پیشرفتهای فرهنگی در ایران ما توجه شمارا بنگات زیر جلب میکنیم :

۱ - سیاست جدید فرهنگی دولت اینست که مدارس دولتی را بمدارس خصوصی تبدیل کند . بالا بردن شهریه این مدارس خصوصی باعث شده است که از این مدارس فقط فرزندان خانواده های ممتاز و مرفه استفاده کنند و بدی توسیله در مدارس بروی فرزندان گارگران و دهقانان - کارمندان و سایر قشرهای کم درآمد بسته شود .

۲ - تنها در سال ۱۹۶۶ قریب ۴۵ هزار نفر بیلمه دبیرستان برای ورود بدانشگاه در کشور دانشگاههای مختلف شرکت کردند درحالیکه دانشگاههای ایران فقط برای ۲۰۰۰ دانشجوی جدید محل داشتند . همچنین دولت شهریه دانشگاهها را در ظرف دو سال از ۵۰۰ ریال به ۱۵۰۰ ریال یعنی بیش از سی درصد افزایش داد .

۳ - درحالیکه شاه شخصا تأیید کرده است ایران بیش از ۲۵ هزار پزشک احتیاج دارد . ظرفیت دانشگاه پزشکی برای پذیرفتن دانشجوی جدید از ۳۰۰ به ۱۵۰ نفر تقلیل یافته است .

۴ - در حال حاضر هیچ برنامه ای برای برطرف کردن این مشکلات فرهنگی وجود ندارد و بمنظرنعیرسد که در آینده نزدیکی نیز چنین برنامه ای طرح ریزی شود .

رفقای عزیز

ما برخلاف ادعای سران برخی از کشورهای سوسیالیستی بروشنی نشان دادیم که شاه رهبر مردم ایران نیست . بلکه وی خود متکبر و فرمانبردار امپریالیسم دشمن قسم خورده مردم ایران و خطری برای رژیم های مترقی خاورمیانه است .

ما برخلاف سران برخی از کشورهای سوسیالیستی بروشنی نشان دادیم که شاه قدمهای بزرگی در راه پیشرفت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مردم ایران برنداشته است . بلکه وی بمنظور حفظ منافع امپریالیسم جهانی بسرکردگی آمریکا وجیره خواران ایرانی آن کلیه حقوق ابتدائی و دموکراتیک مردم ایران را زیر پا گذارده است . شاه یک حکومت جبار فاشیستی بوجود آورده که سازمان پلیس مخفی ۶۰ هزار نفری و ارتش ۲۵۰ هزار نفری اش بارها مردم را مورد یورش های وحشیانه قرار داده است و با ارتش نیم - کی - بانیستا - فرانکود روحشگیری رقابت میکند . شاه ایران را بد قرارداد های نظامی امپریالیستی وارد کرده است که امنیت دولتهای مترقی عرب در خاورمیانه را بمخاطره انداخته است . شاه رژیمهای منفوری چون کی

دروینام - سلطان حسین در وکیش - فیصل در عربستان - ملک حسین در اردن و سایر رژیمهای ارتجاعی برای درهم شکستن جنبشهای آزاد ییختر این خلقها و سایر ملل همکاری نزدیک میکند . شاه با قراردادن منابع ثروت ایران در اختیار سرمایه داران جهانی و با آزاد کردن دست هزار و صد کمپانی خارجی که سالیانه بیش از ۳۰۰ میلیون دلار سود خالص از ایران خارج میکنند اقتصاد کشور را هر روز عمیقتر در اختیار امپریالیسم در میاورد .

شاه با بکار بردن فساد بمنزله راه ترقی - با تحکیم کردن رشوه خواری بمنزله یک اصل زندگی - و آن نیز بعد یک امروزه در هیچ اداره دولتی کاری بدون پرداخت رشوه انجام پذیر نیست - با توسعه و ترویج تعدی مصرف هروئین در بین جوانان ایران برمقیاس وسیع بمنظور درهم شکستن اراده و انگیزه آنان برای مبارزه اجتماعی تا آنجا که طبق آمار یک سازمان بین المللی بیش از ۲۰ درصد تمام جوانان ایرانی کمتر اوسه سال امروزه معتاد بهروئین میباشند و این نسبت رو باز زیاد است و باور این بزدن اساس هرگونه اخلاق بد اجتماع را وظیفه خود قرار داده است .

رفقای عزیز

چنین است ماهیت و خصوصیات رژیم شاه ولی سران برخی از کشورهای سوسیالیستی شاه را رهبر ملت ایران و مردیکه

در راه پیشرفتهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی رهبری میکند نام نهاده اند . شاه در اشتباه نیست وقتی بخود میبالد که علیرغم مبارزات مردم ایران وی از پشتیبانی شرق و غرب برخوردار است .

کمکهای مادی و معنوی برخی از کشورهای سوسیالیستی بشاه و رژیمهای دیگری که ساخت امپریالیسم اند یا بعلمت عدم اطلاع کافی از شرایط این کشورها است (در اینصورت ما قویا پیشنهاد میکنیم که دول سوسیالیستی در سازمانهای اطلاعات

-۶-

خود در این کشورها تغییرات کلی بدهند) و یا علیرغم مبارزات مردم محروم این کشورها بمنظور استفاده از فرصتی است که برای توسعه تجارت خارجی کشورهای سوسیالیستی یا این کشورها بوجود آمده است.

در دوران مبارزات مسلحانه خلقهای محروم جهان علیه امپریالیسم در آفریقا - آسیا و آمریکای لاتین زمانیکه خلقها در مقابل بزرگترین قدرتهای نظامی و اقتصادی تاریخ بپا خاسته اند باید خط روشنی بین گروه های شرقی و انقلابی و کسانی که خود را وارث سنتهای انقلابی میدانند از یکطرف و اردوگاه امپریالیسم از طرف دیگر کشیده شود.

ما کمکهای اقتصادی و نظامی کشورهای سوسیالیستی بدولتهای شرقی را مثبت و ضروری تلقی میکنیم. ما قویا کمکهای کشور های سوسیالیستی به خلق رزمنده ویتنام را تأیید میکنیم. ما همچنین روابط عادی تجاری کشورهای سوسیالیستی را با کشورهایی که دارای سیستم اقتصادی و اجتماعی دیگری هستند و در این کشورها در حال حاضر مبارزات آزاد ییخش مردم وجود ندارد مفید میدانیم. ولی با هر نوع کمکی چه مادی و چه معنوی به رویهای دیکتاتوری دست نشانده در کشورهایی که مردم آن برای رهایی خود از یوغ استثمار و استثمار در حال مبارزات ضد امپریالیستی هستند مضر به پیشرفت آنها و مضر به انقلاب جهانی میدانیم. چنین کمکهای تأثیر عمیق در گرد کردن رشد فعالیتهای انقلابی دارد. برای نمونه تأثیر چنین کمکهای را در ایران بطور مختصر اشاره میکنیم:

چنین کمکهای شاه را قادر خواهد ساخت خود را ب مردم ایران و مردم جهان بعنوان کسی معرفی کند که از کمک و پشتیبانی شرق و غرب برخوردار است و در نتیجه با دست داشتن کلیه وسایل تبلیغاتی با یک فعالیت وسیع روانی خود را بعنوان تنها "آلترناتیو" مردم ایران معرفی کند و بدینوسیله موثرانه در بین نیروهای شرقی تردد و تزلزل نسبت به مفید بودن ادامه مبارزه و امکان پیروزی آن در مقابل چنین شرایطی ایجاد نماید. این کمکها شاه را قادر خواهد ساخت از طرفی خود را یک رفورمیست معرفی کند و از طرف دیگر مقابله زیادی پول نقد را که وی مجبور است برای حفظ موقعیت خود صرف رفورمهای ظاهری نماید آزاد کرده تا صرف بهبود وضع پلیس و ارتش و دستگاه فاسد اداری خود نماید.

ولی گویا روابط خیلی دوستانه ای که بین شاه و برخی از کشورهای سوسیالیستی وجود دارد کافی نبود که اخیراً دولت اتحاد جماهیر شوروی معادل ۱۰ میلیون دلار بشاه اسلحه فروخت. این عمل بخوبی نشان داد که تغییر در روابط و جهت سیاست جدید این کشورها نسبت بشاه در سطح روابط عادی تجاری نیز باقی نخواهد ماند.

شاه عضو پیمان نظامی شرقی است که در نتیجه توطئه امپریالیسم آمریکا بوجود آمده است. دولت شاه امضاء کننده یک قرار داد دو جانبه "دفاعی" با استثمارگران آمریکائی است. او اکنون کوشش میکند تا قرارداد اسلامی را علیه دولتهای شرقی خاورمیانه و جنبش های آزاد ییخش این منطقه بوجود آورد و چه مفهومی میتواند در فروش اسلحه بیک نوکر امتحان داده امپریالیسم جستجو کرد؟ شاه این اسلحه را بر علیه چه کسی بکار خواهد برد؟ این اسلحه آیا بر علیه اتحاد جماهیر شوروی بکار خواهد رفت؟ در این صورت ما قادر به درک منطق چنین معامله ای نیستیم؟ آیا این اسلحه علیه دولتهای شرقی عربی بکار خواهد رفت؟ اگر چنین است پس چرا شوروی باین کشورها نیز اسلحه میفروشد و خود را پشتیبان آنان میدانند.

ولی برای بدست آوردن جواب حقیقی باین سوالات بهتر است ببینیم آمریکا ارباب حقیقی شاه در این باره چه میگوید. والتر لیمین روزنامه نگار مشهور آمریکائی در نیویورک هزالد تریبیون مورخ ۱۶-۱۷ دسامبر ۵۶ مینویسد "این دیگر چیز سری نیست که ما با ۹۰۰ میلیون (۹۰۰ هزار و سرباز) برای تعلیم ارتش ایران در آن کشور داریم... انکاء اصلی رژیم ارتش است... کمکهای نظامی ما هدف خارجی ندارد بلکه هدف آن متوجه داخل است... تقویت ارتش نه هدف استراتژیکی دارد و نه هدف تاکتیکی هدف آن سیاستی و داخلی است. دلیل اینکه ما ایران کمک میکنیم بخاطر موقعیت این کشور در یک جنگ احتمالی جهانی نیست هدف اینست که دولت شاه را که دوست ما است بر سر قدرت نگاهداریم." همفری معاون رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۶۱ گفت "آیا میدانید رئیس ستاد ارتش ایران بماء موران ما چه گفت؟ وی گفت خوشبختانه در اثر کمکهای آمریکا ارتش دارای وضع خوبی است. ارتش دارای چنان آمادگی است که مردم را سرکوب کند. این ارتش خود را آماده نمیکند علیه روسها بجنگد بلکه خود را آماده میکند علیه مردم ایران بجنگد." مایر سفیر فعلی آمریکا در ایران در اوت ۱۹۶۶ در تهران اظهار داشت "روابط ایران و آمریکا در هیچ زمانی بخوبی زمان حال نبوده است. ما بشما اطمینان میدهم آمریکا هیچگونه مخالفتی با خرید اسلحه از شوروی ندارد."

-۷-

آیا دولت شوروی نمیداند که شاه بوسیله ارتش خود توانسته است رژیم وحشت در ایران مستقر کند؟ آیا دولت شوروی نمیداند شاه بوسیله این ارتش صدها و صدها نفر از مردم را بمیدان تیرباران فرستاده است و زندانهای خود را بایش از بیست هزار نفر زندانی سیاسی پر کرده است؟ آیا دولت شوروی نمیداند که این ارتش شاه بود که در خرداد ۴۲ بیش از چهار هزار نفر را در ظرف چند ساعت بضرر گلوله از پای درآورد؟ آیا دولت شوروی نمیداند که سالهاست ارتش شاه مردم فارس را بمباران میکند و میخشد تا باکشتارهای دستجمعی و ویران کردن خانه و احشام این مردم آنها را بسلوک ودار کند؟ آیا دولت شوروی معتقد است که اسلحه های سوسیالیستی میهن پرستان ایرانی را با درد کمتری از یا در میاورد؟

لگر شاه از غرب و شرق کمکهای اقتصادی دریافت میکند اگر جانشین و رئیس جمهور کشور سوسیالیستی مجارستان هر دو شاه را رهبر ملت ایران خطاب میکنند اگر شاه بعنوان کسی که مردم ایران را بطرف پیشرفتهای اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی رهبری میکند از طرف سران کشورهای امپریالیستی و برخی کشورهای سوسیالیستی مورد خطاب قرار میگیرد. اگر شاه هم از آمریکا - انگلیس و آلمان فرال و هم از شوروی و شاید در آینده از سایر کشورهای سوسیالیستی اسلحه دریافت میکند آنوقت چگونه میتوان بین دیپلماسی و سیاست اقتصادی مرقی و ارتجاعی فرق قائل شد؟ کشورهای سوسیالیستی نمیتوانند ب مردم ویتنام اسلحه بدهند تا علیه امپریالیسم بجنگد و در عین حال به نوکران امپریالیسم اسلحه بدهد تا علیه مردم بجنگد. این یک حقیقت تاریخی است که امپریالیسم با شکست در یک کشور از بین نخواهد رفت. امپریالیسم باید از همه طرف مورد حمله قرار گیرد. بنابراین ضروری است که جنگهای آزاد بیخش همزمان در نقاط مختلف جهان درگیر شود. با در نظر گرفتن این امر است که ما معتقدیم موثرترین راه کمک بخلق ویتنام گذراندن قطعنامه های پطرمطراق و فرستادن تلگرام (اگر چه این اقدامات بنوبه خود مفید میدانیم) نیست بلکه در اینست که در سایر کشورهای در بند در سه قاره با شروع جنگهای آزاد بیخش کمک شود تا قدرت نظامی آمریکا نتواند خود را در یک نقطه متمرکز کند و فشار بر اقتصاد آمریکا چنان افزایش یابد که دیگر مردم آمریکا حاضر نشوند آنها را متحمل شوند و سرمایه داران آمریکا قادر بتحمیل فشار ب مردم نگردند. دانشجویان و مردم ایران همیشه هر نوع کمک مادی و معنوی و نظمی بشاه را صرف نظر از اینکه از چه طرفی باشد مضر بمبارزه خود دانسته آنها را محکوم کرده اند. مردم ایران چنین کمکهایی را عاقلی میدانند که رژیم قدرت خود را بهتر مستقر میکند. بامحکوم کردن کمکهای اقتصادی - سیاسی و نظامی کشورهای سوسیالیستی بشاه ما اولاً وظیفه خود را در محافظت از انقلاب خود و انقلاب جهانی انجام میدهم و ثانیاً امید داریم از این طریق نظر سران این کشورها را به ^{عظ} بودن این سیاست جلب کرده امید داشته باشیم که این کشورها سیاست و روش مرقی و انقلابی باز گردند.

متن اصلی این سخنرانی بزبان انگلیسی در کنگره قرائت گردید. امور بین المللی کنفدراسیون جهانی محصلین

و دانشجویان ایرانی

سند شماره ۴ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم

مندرج در بخش: (کنگره ششم کنفدراسیون جهانی و ادامه مبارزه بر سر روابط خارجی)

متن سخنرانی هیات نمایندگی کنفدراسیون در دفاع از قطعنامه کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان

ایرانی در نهمین کنگره اتحادیه بین‌المللی دانشجویان

آقای رئیس رفقای عزیز

در طرح و دفاع از این قطعنامه ما به ایراد یک سخنرانی بر پایه گفتارهای ذهنی نخواهیم پرداخت. بلکه استدلال خود را بر پایه حقایق عینی تاریخی که مربوط به محتوی این قطعنامه می‌گردد بنا خواهیم کرد. ما انتظار داریم کسانیکه در این بحث شرکت خواهند کرد این روش را بکار برند. فکر نمی‌کنیم در زمینه آن قسمت از این قطعنامه که مربوط می‌شود به نشان دادن وابستگی شدید شاه به امپریالیسم آمریکا و یا نقش استعمارگران جهانی در ایران و روشی که از طرف این گروه برای کنترل حکومت در ایران بکار می‌رود احتیاجی به عرضه کردن بحث جداگانه ای باشد. چه اولاً بنظر ما در اتحادیه بین‌المللی دانشجویان تردیدی در این مورد وجود ندارد و ثانیاً موضع‌گیری‌های گذشته این اتحادیه که در قطعنامه‌هایش در باره ایران منعکس گردیده به خوبی این نظریه را تأیید می‌کند. ولی به نظر ما ضروری است در باره آن بخش از این قطعنامه که مربوط می‌شود به کمک‌های مادی و معنوی که رژیم ایران اخیراً به صورت روز افزون از برخی از کشورهای سوسیالیستی دریافت می‌کند و همچنین فروش اسلحه به دولت شاه به وسیله اتحاد جماهیر شوروی به تفصیل صحبت شود.

شاه در آخرین باز دید خود از برخی کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی از استقبالی برخوردار گردید که در مورد رئیس یک دولت دوست اجراء می‌گردد. مهمانی‌های متعددی به افتخار او ترتیب داده شد، سخنرانی‌های زیبایی در مدح او ایراد گردید و به وی حتی درجه دکترای افتخاری از طرف چند دانشگاه اعطاء گردید.

شاید گفته شود که چنین اعمالی جزئی از اصول دیپلماسی است ولی نظری به روش اجراء این اعمال نشان می‌دهد که آنچه شد به مراتب بیش از اجراء اصول معمولی دیپلماسی است.

روسای سه کشور سوسیالیستی که شاه در سال ۱۹۶۶ از آنها بازدید کرد در باره وی چنین گفتند:

رئیس جمهور کشور سوسیالیستی لهستان گفت: "علیحضرتا! ما صمیمانه ورود شاهنشاه و شهبانوی ایران را به لهستان تهنیت می‌گوئیم و خوشوقتیم که رهبر کشور کهنسالی ..."

مارشال یتو گفت: "تحت رهبری آن اعلیحضرت ایران به خصوص در سال‌های اخیر موفقیت‌های عظیمی در زمینه پیشرفت‌های اقتصادی - اجتماعی و توسعه اقتصادی کسب کرده است و همچنین در زمینه داخلی و چه در زمینه جهانی به موفقیت‌های عظیمی نائل گردیده است."

رئیس جمهور مجارستان گفت: "... همچنین افتخار می‌کنم دروذهای خود را تقدیم ملت ایران نمایم که تحت رهبری شاهنشاه آریا مهر موفق به اصلاحات اجتماعی و اقتصادی عظیم به منظور ایجاد یک اقتصاد مرفقی و یک صنعت نوین در کشور و ریشه کن کردن بی‌سوادی و پیشرفت وضع اجتماعی زنان ایران شده است."

روسای جمهوری این کشورها در مداحی از شاه، وی را رهبر مردم ایران خطاب می‌کنند و چنین جلوه می‌دهند که او مردی است که برای پیشرفت‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی در ایران شب و روز در تلاش است.

حال ببینیم حقیقت چیست:

استعمارگران انگلیسی و آمریکائی پس از ملی شدن صنایع نفت در سال ۱۹۵۱ کوشش‌های زیادی بکار بردند تا شرایط خود را برای به دست آوردن کنترل مجدد بر این صنایع به دولت مصدق تحمیل کنند. پس از شکست این کوشش‌ها استعمارگران یگانه امید خود را در سرنگونی دولت مصدق و استقرار یک دولت دست‌نشانده و مطیع به جای او دیدند. برای عملی کردن این نقشه "سیا" در مرداد ۱۳۳۲ در تجاوز بی‌شرمانه خود موفق شد و دولت دکتر مصدق که در تاریخ دو قرن گذشته ایران اولین دولتی بود که از پشتیبانی قاطبه مردم برخوردار بود سرنگون گردید. شرح این تجاوز آمریکا علیه مردم ایران در کتاب‌ها و مجلات مختلفی منتشر شده است. ما اطمینان داریم که نمایندگان حاضر در این کنگره در باره این کودتا مطلع می‌باشند و تنها به ذکر دو نمونه اکتفا می‌کنیم.

سائردی ایونینگ پست در شماره ۶ نوامبر ۱۹۵۴ نوشت: "یکی دیگر از پیروزی‌های "سیا" دخالت موفقیت آمیز او در تابستان ۱۹۵۳ در ایران است که رژیم دیکتاتوری مصدق را سرنگون کرد و دولت این کشور (آمریکا) محمد رضا شاه پهلوی را بر تخت طاوس مستقر ساخت".

نیویورک تایمز مورخ مه ۱۹۶۶ می‌نویسد: "سیا نقش اصلی را در سرنگون کردن دولت دکتر مصدق در ۱۹۵۳ ایفا کرد". آمریکایی‌ها خود اعتراف می‌کنند که این "سیا" بود که شاه را علی‌رغم خواست و منافع مردم ایران به قدرت بازگرداند ولی رهبران برخی از کشورهای سوسیالیستی این عروسک امپریالیست‌ها را رهبر مردم ایران خطاب می‌کنند. زهی بیش‌رمی! پس از کودتای ۱۹۵۳ حکومت مزدور در ایران برقرار گردید. به منظور حفاظت بهتر از منافع اربابانش یعنی مونوپول‌های نفتی آمریکایی و انگلیسی و برای درهم شکستن هر گونه مقاومت علیه رژیم استبداد شاه به دستور وی موجی از بازداشت تمام کسانی که جرات کرده بودند علیه نفوذ و دخالت بیگانه در سرنوشت مردم ایران به پاخیزند و برای مستقر ساختن یک حکومت مترقی و دموکراتیک مبارزه کنند و کسانی که رسیدن به این هدف‌ها را در برچیده شدن بساط رژیم سلطنتی در ایران می‌دانستند آغاز گردید. هزاران نفر از افراد مترقی دستگیر شدند. عده زیادی در زیر شکنجه‌های قرون وسطایی جان دادند و از سرنوشت صدها نفر دیگر حتی تا به امروز اطلاعی در دست نیست. خون هزاران جوان ایرانی در بین آنان کمونیست‌ها - روشنفکران - آزادیخواهان و غیره ریخته شد. دسامبر ۱۹۵۳ پلیس برای دستگیری عده‌ای به دانشگاه حمله برد و سه تن دانشجوی را در کلاس درس به ضرب گلوله از پای در آورد. دیگر جان کسی در امان نبود. هر فردی را به عنوان مصدقی و یا کمونیست دستگیر می‌کردند و بیدار نیستی می‌فرستادند. ما می‌توانیم تنها شبیه آنچه که در آن دوران در ایران بوقوع پیوست را در تجاوز دیگر "سیا" علیه حکومت مترقی اندونزی در سال ۱۹۶۶ مشاهده کنیم. شاید هرگز معلوم نشود که چند هزار نفر از مردم بیگانه در این دوران وحشت در ایران کشته شدند. تمام این اعمال به منظور حفاظت از منافع عظیم امپریالیست‌ها و عاملین ایرانی آنها و برای در بند نگهداشتن مردم ایران تحت شدیدترین خفقان‌ها صورت گرفت. خطاب کردن کسی که دستش به خون هزاران میهن پرست ایرانی آغشته است به عنوان رهبر مردم ایران تمجید از نوکران امپریالیسم است!

در سال‌های بین ۶۰-۱۹۵۴ یک فعالیت سیستماتیک به وسیله پلیس فاشیستی رژیم آغاز گردید. هدف این فعالیت این بود که آنچه از سازمان‌های سیاسی هنوز باقی مانده بود در هم شکسته شود و افرادی را که رژیم بر ای حیاتش خطرناک تشخیص می‌داد از بین ببرند. دکتر حسین فاطمی وزیر انقلابی دکتر مصدق که در روزهای ۲۵ تا ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بر در قصرهای شاه به نام ملت ایران قتل زد، دستگیر شد. وی را در حال بیماری به سختی شکنجه دادند و در آن حال محاکمه کردند و وی را از تخت بیمارستان مستقیم به میدان تیرباران بردند. دسته مشخصی برای شکار اعضاء حزب توده بوجود آمد. پس از بدست آوردن رمز قسمت‌های مختلف سازمان‌های این حزب - موج جدیدی از بازداشت و شکنجه آغاز گردید. صدها نفر دستگیر شدند. در بین این عده افسران شبکه نظامی حزب توده - روشنفکران و کارگران نیز بودند. ۷۱ افسر را به مرگ محکوم کردند که از این عده ۲۱ نفر تیرباران شدند. ۱۹۲ نفر به حبس ابد - ۱۱۹ نفر به پانزده سال و ۱۶۳ نفر به زندان‌های از سه تا ده سال محکوم گردیدند. تنها گناه این عده این بود که به میهن و ملت خود عشق می‌ورزیدند و می‌کوشیدند مردم خود را از زیر یوغ امپریالیسم آزاد کنند. رژیم همچنین موفق شد خسرو روزبه کمونیست انقلابی را دستگیر کند. وی نیز بعداً تیرباران شد.

نامیدن مردی که مسئول بوجود آوردن سیاه‌ترین دوران در ایران است به عنوان رهبر مردم ایران توهین به ملت ایران است. شاه در ۱۴ سال حکومت ظالمانه خود، لحظه‌ای از ارتکاب جنایت علیه خلق ایران غافل نبوده و با بکار بردن وحشیانه‌ترین و ظالمانه‌ترین روش‌ها آنچه در قدرت دارد به کار برده تا حکومت خود و در نتیجه ادامه نفوذ خارجی را بر مردم ایران تضمین نماید. دانشجویان دانشگاه تهران برای روز اول بهمن ۱۳۴۱ ترتیب یک تظاهرات را داده بودند. آنها می‌خواستند خواست خود را برای انجام انتخابات آزاد و همچنین آزادی دانش آموزانی که در تظاهرات قبلی دستگیر شده بودند به اطلاع دولت برسانند. ولی قبل از شروع تظاهرات چتربازان و پلیس شاه دانشگاه را مورد حمله قرار دادند. رئیس دانشگاه در استعفانامه خود به نخست وزیر وقت این حمله را چنین توصیف کرد:

"در تعقیب مذاکرات ما در ساعت ۱۱ صبح سربازان و چتربازان دانشگاه تهران را اشغال کردند. هیچ دلیل و بهانه‌ای برای پایمال کردن حقوق و مقررات دانشگاه وجود نداشت. سربازان و چتربازان پس از ورود به دانشگاه پسران و دختران را بدون استثناء مورد حمله قرار دادند. بسیاری از دانشجویان تا سر حد مرگ مورد ضرب و شتم قرار گرفتند."

"من تاکنون این اندازه بی‌رحمی، سادیسم، وحشیگری و خرابکاری را از طرف نیروهای دولتی ندیده و نشنیده‌ام..."

در روزهای ۱۳ تا ۱۵ خرداد تظاهرات وسیعی در سراسر کشور برای اعتراض به حکومت خفقان و استبدادی شاه صورت گرفت. تنها در تهران در ظرف چند ساعت بیش از ۴ هزار نفر از تظاهرکنندگان به ضرب گلوله کشته شدند. سال‌ها است که ارتش شاه ساکنین فارس در جنوب ایران را بی‌رحمانه قتل عام می‌کند. احتشام آناترا که تنها وسیله زندگی‌شان است از بین می‌برد تا آنها را وادار به تسلیم نماید.

تنها در ۱۸ ماه بین ۱۹۶۶ - ۱۹۶۵ تعداد ۴۲ حکم اعدام از دادگاه‌های غیر قانونی نظامی صادر شده است. تلقی کردن کسی که به خود می‌بالد در سایه جنایات پلیس فاشیستی‌اش بکشور "امنیت" داده است، کسی که از سر زمینی با کشتار مبارزین راه آزادی ایران قبرستانی به وجود آورده است به عنوان رهبر مردم ایران خیانت به مردم ایران در مبارزه‌اش علیه شاه و امپریالیسم است. این همانند آنستکه هم‌کیش مارشال کی، رهبر ویتنام خطاب شود. زیرا شاه که از طرف برخی از کشورهای سوسیالیستی به عنوان رهبر مردم ایران نامیده شده است کسی است که علی‌رغم خواست مردم ایران برای مارشال کی نفت می‌فرستد تا تانک‌های او بتوانند روستاهای ویتنام را گلوله باران کنند و زن و بچه‌های ویتنامی را به خون بکشند. به ویتنام تیم پزشکی و پرستار اعزام می‌دارد تا جانباين آمریکائی و مزدوران ویتنامی آنها را درمان کنند تا آنها بهتر برای کشتار خلق ویتنام آمادگی داشته باشند. روسای جمهوری لهستان - مجارستان و یوگسلاوی از پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی مردم ایران در سال‌های اخیر تحت رهبری شاه صحبت می‌کنند. ببینیم حقایق چگونه‌اند:

در دویست سال گذشته مردم ایران در زیر سلطه و نفوذ بیگانه بسر برده‌اند. در ایران استعمارگران از ابتداء شیوه دیگری به کار بستند. استعمارنو را سالیان درازی است که می‌شناسیم. ایران همیشه از استقلال صوری برخوردار بوده است و در کشور ما هرگز حکومت مستقیم استعمار برقرار نگردید.

به خاطر فساد عمیقی که در دربار سلطنتی وجود داشت (البته فساد یکی از صفات ذاتی هر درباری است) استعمارگران از طریق قرار دادن کسانی که خود را در خدمت آنها قرار داده بودند، توانستند با در اختیار داشتن مسندهای اصلی و مهم، منافع عظیم اقتصادی و سیاسی خود را محافظت کنند. این جبهه متحد استعمارگران و جیره‌خواران ایرانی آنها مثل بسیاری از کشورهای سه قاره علت اصلی عقب ماندگی، بی‌سوادی، فقر و مرض در ایران بوده است. سلسله سلطنتی کنونی در ایران که به وسیله پدر شاه فعلی (که یک افسر بی‌سواد بود) استثنائی از این امر نمی‌باشد. وظیفه اصلی این سلسله در این بود که ادامه سلطه جابرانه استعمار انگلستان در ایران را ممکن سازد. پدر این شاه از طریق دخالت مستقیم اداره جاسوسی انگلستان در سال ۱۹۲۵ در ایران مستقر گردید. درست همان‌طور که پسر او (شاه فعلی) در ۱۹۵۳ بوسیله دخالت مستقیم "سیا" سلطنت خود را باز یافت.

از چه زمانی رهبران برخی از کشورهای سوسیالیستی به این نتیجه رسیده‌اند که نمایندگان "سیا" و امپریالیسم جهانی در طرف خلق قرار دارند و می‌توانند مردم را در پیشرفت‌های اقتصادی و اجتماعی رهبری کنند؟ آیا رهبران این کشورها گول تبلیغات شاه و اربابان غربی وی را در باره "انقلاب سفید" - "انقلاب از بالا" و غیره را خورده‌اند و یا اینکه آنها قصد دارند رژیم شاه را به عنوان یک "آلترناتیو" در برابر حکومت‌های مترقی شرق میانه مورد پشتیبانی قرار دهند؟

در سال‌های ۵۱ تا ۵۳ مصدق قدم‌هایی برای آزاد کردن اقتصاد وابسته ایران از نفوذ خارجی برداشت. او توانست برای اولین بار در تاریخ معاصر ایران صادرات را (بدون در نظر گرفتن صادرات نفت) بر واردات افزایش دهد. پس از کودتای ۱۹۵۳ تحت رهبری شاه و مشاورین آمریکائی‌اش سیاست به اصطلاح "درهای باز" به اجرا گذارده شد. بر طبق این سیاست ورود کلیه اجناس آزاد گردید. بزودی سیل محصولات غیر صنعتی و غیر ضروری به ایران سرازیر شد. در نتیجه واردات بر صادرات به میزان ده برابر افزایش یافت. در حالیکه صادرات به همان میزان سال ۱۹۵۳ نگهداشته شد. ورشکستگی سیاست درهای باز را می‌توان از گفتارهای مقامات دولتی مشاهده کرد.

رئیس بانک مرکزی در ۱۹۶۱ در یک مصاحبه مطبوعاتی گفت: "اندوخته ارز خارجی در بانک به صفر رسیده است". علی‌امینی مردی که برای نجات!!! اقتصاد کشور به نخست‌وزیری انتصاب شد در مصاحبه ای در سال ۱۹۶۱ گفت: "بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مشکل اقتصادی ایران مشکلی که تمام مردم ایران بدان گرفتار هستند، عبارت از پائین بودن سطح زندگی و نبودن کالای مورد احتیاج مردم است و در مقابل گرانی سرسام آور زندگی و نبودن کالای مورد احتیاج - نبودن محل اقامت مناسب و گرانی اجاره منزل و مهم‌تر از همه عدم کفایت و کاردانی مسئولان مربوطه می‌باشد که نمی‌توانند برنامه صحیح و قابل اجرایی جهت پائین آوردن شرایط زندگی و ثابت نگهداشتن قیمت‌ها و... ارائه دهند".

در این زمان مجموع بدهی خارجی دولت به بیش از ۸۰۰ میلیون دلار بالغ می‌شد. در این مورد لازم است توجه کنیم که در همین دوران در آمد دولت تنها از سهام نفت و کمک‌های خارجی به سه میلیارد دلار بالغ می‌شد. علی‌رغم این درآمد وضع اقتصاد چنان بود که آمینی در بالا توصیف کرد و بدهی خارجی دولت بمبلغ ۸۰۰ میلیون دلار می‌رسید. علت این وضع چه بود؟ علت این امر این بود که اغلب این پول‌ها به حساب شاه و سایر مسئولین عالی دولت در بانک‌های سوئیس و آمریکا گذارده می‌شد و هنوز هم گذارده می‌شود.

در هشت سال بین ۵۲-۶۰ سطح زندگی به طور سرسام آوری ترقی کرد اگر پایه سطح زندگی را در سال ۵۲ به ۱۰۰ بگیریم این پایه در سال ۶۰ به ۱۷۹ یعنی نزدیک به دو برابر ترقی کرد و این آهنگ ترقی هنوز هم ادامه دارد. در سال ۱۹۵۹ یکی از سناتورهای آمریکائی گزارشی از سفر خود به ایران در بولتن سنای آمریکا به چاپ رساند. در این گزارش می‌نویسد:

"در تبریز (دومین شهر بزرگ ایران) ما با چنان فقری مواجه شدیم که شاید در هیچ نقطه از جهان نتوان یافت. ما از یک کارخانه‌ی قالیبافی دیدن کردیم که در آن ۸۰۰ نفر کار می‌کردند که ۶۰۰ نفر از این عده را کودکان بین سنین شش تا چهارده تشکیل می‌دادند." در همین سال کهان یکی از روزنامه‌های وابسته به دولت گزارش داد "در بلوچستان و مهران بیش از ۸۰ درصد ساکنین مبتلا به سفلیس هستند. همچنین خبر داد که در دهی تمام ساکنین آن در اثر تراخم نابینا هستند".

اینها تنها چند نمونه از وضع زندگی دهقانان و کارگران ایران است. گویا به عقیده سران بعضی از کشورهای سوسیالیستی اینها پیشرفت‌های اقتصادی است که انجام گرفته است.

چه کسی مسئول این همه بدبختی فقر، مرض و غیره در ایران است؟ آیا غیر از استعمارگران و همدستان ایرانی آنها که در راس آنها شاه قرار دارد کسی دیگر باعث چنین وضعی است؟ چگونه می‌توان قبول کرد کسانی که خود علت تمام این بدبختی می‌باشند حال ناگهان تغییر ماهیت داده ناجی مردم شده و برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی مردم دست به کار شده‌اند؟! این گفتار که شاه مردم را در پیشرفت‌های اقتصادی رهبری می‌کند تناقض در خود است.

طبق اظهارات رسمی سه سد به مبلغ ۵۰۰ میلیون دلار ساخته شده است. در باره این سدها وزیر کشاورزی چنین اظهار نظر کرده است. "ما چند سد ساخته‌ایم در حقیقت ما دیوارهای بلندی بنا کرده‌ایم که پشت آنها دریاچه‌هایی درست شده که برای قالیق‌رانی و ماهیگیری خوب است. ما فکر نکردیم که وسائل تولید برق و آبیاری در این سدها بسازیم". آیا سران کشورهای سوسیالیستی چنین اقدامی را پیشرفت تلقی می‌کنند؟ در این صورت چرا آنها خود چنین برنامه‌هایی را به کار نمی‌برند؟

روای جمهوری برخی از کشورهای سوسیالیستی درباره پیشرفت‌های اجتماعی و تغییر موقعیت اجتماعی زنان ایران صحبت کرده‌اند. ما فکر می‌کنیم مقصود آنها رفتارند قلابی ۱۹۶۳ است. در این مورد ما نظر آنها را به حقایق زیر جلب می‌کنیم.

۱- درباره تغییر موقعیت اجتماعی زنان ایران یا اعطای حق رای به آنان کافی است گفته شود که وقتی شاه با به کار بردن پلیس ۶۰ هزار نفریش تمام حقوق دموکراتیک و ابتدائی مردم را از آنها سلب کرده است و در حالیکه مردان ایرانی که حق رای داشته‌اند نمی‌توانند آزادانه آنها مورد استفاده قرار دهند صحبت از تغییر موقعیت زنان ایران کردن بیش‌تر جنبه شوخی پیدا می‌کند.

۲- ماده‌ایکه وسیله سر و صدا و تبلیغات زیادی از طرف ماشین تبلیغاتی شاه و اربابانش در غرب گردیده است و اخیرا سران برخی از کشورهای سوسیالیستی نیز به کمک این تبلیغات شتافته‌اند مسئله رفم ارضی است. این ماده به عنوان مهم‌ترین قسمت "انقلاب سفید" شاه در نظر گرفته شده بود. به علت کمبود وقت قصد نداریم یک تجزیه تحلیل طولانی از سیستم کشاورزی ایران بنماییم. به منظور نشان دادن ماهیت این رفورم به نکات زیر اشاره می‌کنیم:

الف - زمین‌هاییکه در اختیار دهقانان گذارده شده به رایگان به آنها داده نشده بلکه فروخته شده است. این زمین‌ها به اقساط پانزده ساله با بهره سالیانه یک درصد از قیمت کل زمین بدهقانان فروخته می‌شود. بدین وسیله دهقانان مثل گذشته در تحت یوغ ملاکین و فشار مامورین دولتی باقی مانده‌اند.

ب - از ۶۵ درصد مجموع زمین‌های قابل کشت متعلق به مالکین بزرگ تنها ۹ درصد از بدترین زمین‌ها به دهقانان فروخته شده است. اگر زمین‌های خانواده سلطنتی و اوقاف مذهبی را باین ۶۵ درصد اضافه کنیم دیده می‌شود که فقط ۴ درصد از مجموع زمین‌های قابل کشت ایران به دهقانان فروخته شده است و به علت شکست این برنامه ادامه آن نیز کند شده است. در باره پیشرفت‌های فرهنگی در ایران ما توجه شما را به نکات زیر جلب می‌کنیم:

- ۱ - سیاست جدید فرهنگی دولت این است که مدارس دولتی را به مدارس خصوصی تبدیل کند. بالا بردن شهریه این مدارس خصوصی باعث شده است که از این مدارس فقط فرزندان خانواده‌های ممتاز و مرفه استفاده کنند و بدین وسیله درب مدارس به روی فرزندان کارگران و دهقانان - کارمندان و سایر قشرهای کم درآمد بسته شود.
- ۲ - تنها در سال ۱۹۶۶ قریب ۴۵ هزار نفر دیپلمه دبیرستان برای ورود بدانشگاه در کنکور دانشگاه‌های مختلف شرکت کردند در حالیکه دانشگاه‌های ایران فقط برای ۲۰۰۰ دانشجو جدید محل داشتند. همچنین دولت شهریه دانشگاه‌ها را در ظرف دو سال از ۵۰۰ ریال به ۱۵۰۰ ریال یعنی بیش از سی درصد افزایش داد.
- ۳ - در حالیکه شاه شخصا تایید کرده است ایران بیش از ۲۵ هزار پزشک احتیاج دارد. ظرفیت دانشکده پزشکی برای پذیرفتن دانشجوی جدید از ۳۰۰ به ۱۵۰ نفر تقلیل یافته است.
- ۴ - در حال حاضر هیچ برنامه‌ای برای بر طرف کردن این مشکلات فرهنگی وجود ندارد و به نظر نمی‌رسد که در آینده نزدیکی نیز چنین برنامه‌ای طرح ریزی شود.

رفقای عزیز

ما بر خلاف ادعای سران برخی از کشورهای سوسیالیستی به روشنی نشان دادیم که شاه رهبر مردم ایران نیست. بلکه وی خدمتگذار و فرمانبردار امپریالیسم دشمن قسم خورده مردم ایران و خطری برای رژیم‌های مترقی خاورمیانه است. ما برخلاف سران برخی از کشورهای سوسیالیستی به روشنی نشان داده‌ایم که شاه قدم‌های بزرگی در راه پیشرفت اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی مردم ایران برداشته است. بلکه وی به منظور حفظ منافع امپریالیسم جهانی به سرکردگی آمریکا و جیره‌خواران ایرانی آن کلیه حقوق ابتدائی و دموکراتیک مردم ایران را زیر پا گذارده است. شاه یک حکومت جبار فاشیستی به وجود آورده که سازمان پلیس مخفی ۶۰ هزار نفری و ارتش ۲۵۰ هزار نفری‌اش بارها مردم را مورد یورش‌های وحشیانه قرار داده است و با ارتش دیم - کی - باتیستا - فرانکو در وحشیگری رقابت می‌کند. شاه ایران را در قراردادهای نظامی امپریالیستی وارد کرده است که امنیت دولت‌های مترقی عرب در خاورمیانه را به مخاطره انداخته است. شاه با رژیم‌های منفوری چون کی در ویتنام - سلطان حسین در مراکش - فیصل در عربستان - ملک حسین در اردن و سایر رژیم‌های ارتجاعی برای درهم شکستن جنبش‌های آزادی‌بخش این خلق‌ها و سایر ملل همکاری نزدیک می‌کند. شاه با قرار دادن منابع ثروت ایران در اختیار سرمایه‌داران جهانی و با آزاد کردن دست هزار و صد کمپانی خارجی که سالیانه بیش از ۳۰۰ میلیون دلار سود خالص از ایران خارج می‌کنند اقتصاد کشور را هر روز عمیق‌تر در اختیار امپریالیسم در می‌آورد.

شاه با به کار بردن فساد به منزله راه ترقی - با تحکیم کردن رشوه‌خواری به منزله یک اصل زندگی - و آن نیز به حدی که امروزه در هیچ اداره دولتی کاری بدون پرداخت رشوه انجام پذیر نیست - با توسعه و ترویج عمدی مصرف هروئین در بین جوانان ایران بر مقیاس وسیع به منظور درهم شکستن اراده و انگیزه آنان برای مبارزه اجتماعی تا آنجا که طبق آمار یک سازمان بین‌المللی بیش از ۲۰ درصد تمام جوانان ایرانی کم‌تر از سی سال امروزه معتاد به هروئین می‌باشند و این نسبت رو به ازدیاد است. او از بین بردن اساس هرگونه اخلاق در اجتماع را وظیفه خود قرار داده است.

رفقای عزیز

چنین است ماهیت و خصوصیات رژیم شاه ولی سران برخی از کشورهای سوسیالیستی شاه را رهبر ملت ایران و مردی که در راه پیشرفت‌های اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی رهبری می‌کند نام نهاده‌اند. شاه در اشتباه نیست وقتی به خود می‌بالد که علی‌رغم مبارزات مردم ایران وی از پشتیبانی شرق و غرب برخوردار است!!

کمک‌های مادی و معنوی برخی از کشورهای سوسیالیستی به شاه و رژیم‌های دیگری که ساخت امپریالیسم‌اند یا به علت عدم اطلاع کافی از شرایط این کشورها است (در این صورت ما قویا پیشنهاد می‌کنیم که دول سوسیالیستی در سازمان‌های اطلاعات خود در این کشورها تغییرات کلی به دهند) و یا علی‌رغم مبارزات مردم محروم این کشورها به منظور استفاده از فرصتی است که برای توسعه تجارت خارجی کشورهای سوسیالیستی با این کشورها به وجود آمده است.

در دوران مبارزات مسلحانه خلق‌های محروم جهان علیه امپریالیسم در آفریقا - آسیا و آمریکای لاتین زمانی که خلق‌ها در مقابل بزرگ‌ترین قدرت‌های نظامی و اقتصادی تاریخ بپاخاسته‌اند باید خط روشنی بین گروه‌های مترقی و انقلابی و کسانی که خود را وارث سنت‌های انقلابی می‌دانند از یک طرف و اردوگاه امپریالیسم از طرف دیگر کشیده شود.

ما کمک‌های اقتصادی و نظامی کشورهای سوسیالیستی به دولت‌های مرفعی را مثبت و ضروری تلقی می‌کنیم. ما قویا کمک‌هاییکه کشورهای سوسیالیستی به خلق رزمنده ویتنام را تأیید می‌کنیم. ما همچنین روابط عادی تجارتي کشورهای سوسیالیستی را با کشورهایی که دارای سیستم اقتصادی و اجتماعی دیگری هستند و در این کشورها در حال حاضر مبارزات آزادی‌بخش مردم وجود ندارد مفید می‌دانیم. ولی با هر نوع کمکی چه مادی و چه معنوی به رژیم‌های دیکتاتوری دست‌نشانده در کشورهایی که مردم آن برای رهایی خود از یوغ استعمار و استثمار در حال مبارزات ضد امپریالیستی هستند مضر به پیشرفت آنها و مضر به انقلاب جهانی می‌دانیم. چنین کمک‌هایی تأثیر عمیق در کند کردن رشد فعالیت‌های انقلابی دارد. برای نمونه تأثیر چنین کمک‌هایی را در ایران به طور مختصر اشاره می‌کنیم:

چنین کمک‌هایی شاه را قادر خواهد ساخت خود را به مردم ایران و مردم جهان به عنوان کسی معرفی کند که از کمک و پشتیبانی شرق و غرب برخوردار است و در نتیجه با در دست داشتن کلیه وسایل تبلیغاتی با یک فعالیت وسیع روانی خود را به عنوان تنها "آلترناتیو" به مردم ایران معرفی کند و به دینوسیله موثرانه در بین نیروهای مرفعی تردید و تزلزل نسبت به مفید بودن ادامه مبارزه و امکان پیروزی آن در مقابل چنین شرایطی ایجاد نماید. این کمک‌ها شاه را قادر خواهد ساخت از طرفی خود را یک رفورمیست معرفی کند و از طرف دیگر مقدار زیادی پول نقد را که وی مجبور است برای حفظ موقعیت خود صرف رفورم‌های ظاهری نماید آزاد کرده تا صرف بهبود وضع پلیس و ارتش و دستگاه فاسد اداری خود نماید.

ولی گویا روابط خیلی دوستانه‌ای که بین شاه و برخی از کشورهای سوسیالیستی وجود دارد کافی نبود که اخیراً دولت اتحاد جماهیر شوروی معادل ۱۱۰ میلیون دلار به شاه اسلحه فروخت. این عمل بخوبی نشان داد که تغییر در روابط و جهت سیاست جدید این کشورها نسبت به شاه در سطح روابط عادی تجارتي نیز باقی نخواهد ماند.

شاه عضو پیمان نظامی ستو است که در نتیجه توطئه امپریالیسم آمریکا بوجود آمده است. دولت شاه امضاء کننده یک قرار داد دو جانبه "دفاعی" با استعمارگران آمریکائی است. او اکنون کوشش می‌کند تا قرارداد اسلامی را علیه دولت‌های مرفعی خاورمیانه و جنبش‌های آزادیبخش این منطقه بوجود آورد و چه مفهومی می‌توان در فروش اسلحه به یک نوکر امتحان داده امپریالیسم جستجو کرد؟ شاه این اسلحه را بر علیه چه کسی به کار خواهد برد؟ این اسلحه آیا بر علیه اتحاد جماهیر شوروی به کار خواهد رفت؟ در این صورت ما قادر به درک منطق چنین معامله‌ای نیستیم؟ آیا این اسلحه علیه دولت‌های مرفعی عربی به کار خواهد رفت؟ اگر چنین است پس چرا شوروی به این کشورها نیز اسلحه می‌فروشد و خود را پشتیبان آنان می‌داند.

ولی برای به دست آوردن جواب حقیقی به این سؤالات بهتر است ببینیم آمریکا ارباب حقیقی شاه در این باره چه می‌گوید. والتر لیمین روزنامه نگار مشهور آمریکائی در نیویورک هرالد تریبون مورخ ۱۶-۱۷ دسامبر ۵۶ می‌نویسد "این دیگر چیز سری نیست که ما یک کمیسیون ۹۰۰ نفری (افسر و سرباز) برای تعلیم ارتش ایران در آن کشور داریم... اکتاء اصلی رژیم ارتش است... کمک‌های نظامی ما هدف خارجی ندارد بلکه هدف آن متوجه داخل است... تقویت ارتش نه هدف استراتژیکی دارد و نه هدف تاکتیکی، هدف آن سیاست داخلی است. دلیل این که ما به ایران کمک می‌کنیم به خاطر موقعیت این کشور در یک جنگ احتمالی جهانی نیست هدف این است که دولت شاه را که دوست ما است بر سر قدرت نگاه داریم". همفری معاون رئیس جمهور آمریکا در سال ۱۹۶۱ گفت "آیا می‌دانید رئیس ستاد ارتش ایران به ماموران ما چه گفت؟ وی گفت خوشبختانه در اثر کمک‌های آمریکا ارتش دارای وضع خوبی است. ارتش دارای چنان آمادگی است که مردم را سرکوب کند. این ارتش خود را آماده نمی‌کند علیه روس‌ها بجنگد بلکه خود را آماده می‌کند که علیه مردم ایران بجنگد."

مایر سفیر فعلی آمریکا در ایران در اوت ۱۹۶۶ در تهران اظهار داشت: "روابط ایران و آمریکا در هیچ زمانی به خوبی زمان حال نبوده است. ما به شما اطمینان می‌دهیم آمریکا هیچگونه مخالفتی با خرید اسلحه از شوروی ندارد."

آیا دولت شوروی نمی‌داند که شاه بوسیله ارتش خود توانسته است رژیم وحشت در ایران مستقر کند؟ آیا دولت شوروی نمی‌داند شاه بوسیله این ارتش صدها و صدها نفر از مردم را به میدان تیرباران فرستاده است و زندان‌های خود را با بیش از بیست هزار نفر زندانی سیاسی پر کرده است؟ آیا دولت شوروی نمی‌داند که این ارتش شاه بود که در خرداد ۴۲ بیش از چهار هزار نفر را در ظرف چند ساعت به ضرب گلوله از پای در آورد؟ آیا دولت شوروی نمی‌داند که سال‌ها است ارتش شاه مردم فارس را بمباران می‌کند و می‌کوشد تا با کشتارهای دسته جمعی و ویران کردن خانه و احشام این مردم آنها را به سکوت وادار کند؟ آیا دولت شوروی معتقد است که اسلحه‌های سوسیالیستی میهن پرستان ایرانی را با درد کمتری از پا در می‌آورد؟

اگر شاه از غرب و شرق کمک‌های اقتصادی دریافت می‌کند اگر جانشین و رئیس جمهور کشور سوسیالیستی مجارستان هر دو شاه را رهبر ملت ایران خطاب می‌کنند اگر شاه به عنوان کسی که مردم ایران را به طرف پیشرفت‌های اقتصادی-اجتماعی و فرهنگی رهبری می‌کند از طرف سران کشورهای امپریالیستی و برخی کشورهای سوسیالیستی مورد خطاب قرار می‌گیرد. اگر شاه هم از آمریکا - انگلیس و آلمان فدرال و هم از شوروی و شاید در آینده از سایر کشورهای سوسیالیستی اسلحه دریافت می‌کند آنوقت چگونه می‌توان بین دیپلماسی و سیاست اقتصادی مرفی و ارتجاعی فرق قائل شد؟ کشورهای سوسیالیستی نمی‌توانند به مردم ویتنام اسلحه بدهند تا علیه امپریالیسم بجنگد و در عین حال به نوکران امپریالیسم اسلحه بدهد تا علیه مردم بجنگد. این یک حقیقت تاریخی است که امپریالیسم با شکست در یک کشور از بین نخواهد رفت. امپریالیسم باید از همه طرف مورد حمله قرار گیرد. بنابراین ضروری است که جنگ‌های آزادی‌بخش همزمان در نقاط مختلف جهان در گیر شود. با در نظر گرفتن این امر است که ما معتقدیم موثرترین راه کمک به خلق ویتنام گذراندن قطعه‌های پرطمطراق و فرستادن تلگرام (اگر چه این اقدامات را بنوبه خود مفید می‌دانیم) نیست بلکه در این است که در سایر کشورهای در بند در سه قاره با شروع جنگ‌های آزادی‌بخش کمک شود تا قدرت نظامی آمریکا نتواند خود را در یک نقطه متمرکز کند و فشار بر اقتصاد آمریکا چنان افزایش یابد که دیگر مردم آمریکا حاضر نشوند آنرا متحمل شوند و سرمایه داران آمریکا قادر به تحمیل فشار به مردم نگردند.

دانشجویان و مردم ایران همیشه هر نوع کمک مادی و معنوی و نظامی به شاه را صرفنظر از اینکه از چه طرفی باشد مضر به مبارزه خود دانسته آنرا محکوم کرده‌اند. مردم ایران چنین کمک‌هایی را عاملی می‌دانند که رژیم قدرت خود را بهتر مستقر می‌کند. با محکوم کردن کمک‌های اقتصادی-سیاسی و نظامی کشورهای سوسیالیستی به شاه ما اولاً وظیفه خود را در محافظت از انقلاب خود و انقلاب جهانی انجام می‌دهیم و ثانیاً امیدواریم از این طریق نظر سران این کشورها را به غلط بودن این سیاست جلب کرده امید داشته باشیم که این کشورها به سیاست و روش مرفی و انقلابی باز گردند.

متن اصلی این سخنرانی به زبان انگلیسی در کنگره قرائت گردید.

امور بین المللی کنفدراسیون جهانی محصلین دانشجویان ایرانی

سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم

مندرج در بخش (در کنگره هفتم ۲ تا ۹ ژانویه ۱۹۶۸ و کنگره هشتم ۲۶ تا ۲۸ آوریل ۱۹۶۸ کنفدراسیون مسئله تحقیق در مورد اشتباهات کنفدراسیون در عرصه جهانی مطرح شد)

نظر سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان در مورد "آی. یو. اس." پس از سقوط آنها به دامن رویونیسم شوروی

بخشنامه داخلی در مورد تدارک کنگره نهم و نظریات ما در مورد کنفدراسیون جهانی

بخشنامه

امید است که در مورد کار دانشجویی رفقا به نکات زیر توجه کافی مبذول داشته متاد آنرا دقیقاً اجرا نمایند :

۱- پیرو بخشنامه های گذشته هر واحد شهری موظف بوده است که به تشکیل کمیته کار دانشجویی (در شهرهایی که امکان کمیته از نظر تعداد فرق وجود ندارد، بیشتر عهده دار کار دانشجویی میشود) همت گماشته و اخبار دانشجویی، نظرات دانشجویان و مسائل مهم سازمان دانشجویی خود را به سازمان گزارش دهند. متأسفانه در این امر کوشش کافی بعمل نیامده و بعضی از رفقایان توجه کافی باین مسئله نکرده اند و باین صورت در اجرای آن غفلت ورزیده اند. بدیهی است که رفقا با این یادآوری از این پس در این امر مهم کوشش بیشتری بخرج داده و سایر فرستادن گزارش در امر کار سازمان دانشجویان همکاری بیشتری خواهند نمود.

۲- رژیم محمد رضا شاه اکنون مدتی است کفایت نبال تیرباران کردن مبارزان خلق کرده به پورش شدیدی علیه دانشجویان داخل کشور پرداخته و زندانهای خود را از آنان پر ساخته است. این موج تروریست زکوشش برای سرکوبی تظاهرات دانشجویی که از یکسال پیش تاکنون در ایران همچنان ادامه دارد آغاز شده است.

چنانچه رفقا نیز اطلاع دارند رژیم مصمم به محاکمه و اعدام مبارزان دانشجویان دلیزمیباشد. ما در روزنامه ارگان خود بارها لزوم بسیج دانشجویان خارج از کشور برای یک مبارزه وسیع و پرمعنه علیه جنایات اخیر و آشکار ساختن هر چه بیشتر چهره واقعی رژیم یادآوری نموده ایم. اکنون که کشف راسیون جهانی طرح چنین مبارزه ای را ریخته و وارد مرحله آغاز آن شده است، وظیفه تمام رفقای ماست که عملیات رمیدان این مبارزه شایستگی و ایمان بخرج داده و در تبلیغ توده ها، تشکیک و بسیج آنان برای این مبارزه که مبارزه ای است بخاطر آزاد یهای دموکراتیک از هیچ کوششی فروگذار ننمایند.

رفقا! در برنامه های دفاعی کشف راسیون شرکت کنید! مبارزات محلی شهر خود را با دایت و فعالیت هر چه تمام تر وسعت دهید! ابتدر عمل و مبارزه را در هر جا که هستید بدست گیرید و با جلب توده های دانشجویی باین مبارزه و تقویت آن، اعتماد و علاقه توده های دانشجویی بخود جلب کنید.

۳- در مورد نکته نهم کشف راسیون جمع بندی زیر با اطلاع رفقا میرسد :

الف - از آنجا که فشار رژیم بر مردم ایران و دانشجویان تشدید یافته و رژیم دست در کار جنایات جدیدی است، طبیعتاً مسئله اتحاد کلیه دانشجویان بمنظور مبارزه برای نجات جان قربانیان در مرکز تشکیلات کشف راسیون و نکته قرار میگیرد. وظیفه همه کنکرها اینست که با ایجاد روح تفاهم، اتحاد عمیق تر و پیوند فشرده تر بین توده های دانشجویی است. هر آنچه که باین امر صدمه زند و جریان کنکرها را از این مسیر خارج سازد به ضرر مبارزه واحد و یزبان جنبش دانشجویی و در نتیجه بنفع رژیم میباشد. کنکرها نیز نباید مبارزه عموم دانشجویان علیه جنایات رژیم و سازمان امنیت و کنکرها ایجاد هر چه بیشتر شور و مبارزه است.

ب - چنانچه سازمان ما بارها اشاره کرده است یکی از اصول اساسی هر سازمان توده ای رجحان کمیت بر کیفیت است. بدین معنا که کشف راسیون جهانی باید سعی عمد خود را در جهت بسیج تمام توده های دانشجویی خارج از کشور (بغیر از وابستگان به رژیم و افراد سازمان امنیت) بنماید؛ آنها را در سازمان خود مشتمل کند و در طول مبارزه آگاهی سیاسی آنان را بالا ببرد. هر سازمان توده ای که به بهانه کسب آگاهی عمیق تر اعضای خود از توجه به توده های خارج از سازمان صرف نظر نماید، از اکثریت توده های دانشجویی جلوا افتاد و به بدین ترتیب بیرون میگرد. چنین سازمانی دیگر سازمان توده ای نخواهد بود.

ج - با توجه به مسائل بالا و این نکته که کشف راسیون جهانی تاکنون توانسته است تنها مقداری از تشکیلات از دانشجویان خارج از کشور را بدور خود مشتمل سازد (و این امر بهانه بدست رویونیست ها داده است که تنه ها به کشف راسیون حمله نمایند بلکه ظاهراً میلی بر نظریه خود مبنی بر غیر انقلابی بودن توده دانشجویی پیدا کنند) تکیه و توجه هم لزوم گسترش سازمانهای دانشجویی در عرض و عمق (ایجاد سازمانهای دانشجویی در شهرهایی که فاقد تشکیلات دانشجویی هر چه بیشتر میباشند) و همچنین تکیه بر مبارزه علیه توده های دانشجویی (عمده ترین وظیفه کنکرها اینست که در مورد وظائف داخلی کشف راسیون میباشند) باید کوشش کرد که این نکته مهم و اساسی در رخط مشی کشف راسیون وارد گردد.

د - در سالهای اخیر راجع به روابط ارگانهای مختلف کشف راسیون، ناهمگونی سازمانهای دانشجویی، منطبق نبودن بعضی از تشکیلات با احتیاجات کنونی جنبش دموکراتیک و مشکلات تشکیلاتی، نظرات گوناگونی وجود دارد. بمنظور نتیجه گیری صحیح و یافتن راهحلهای مناسب بجاست که هیئت دبیران موظف گردند در عرض سال آینده باین مسئله (از طریق سعینار، کمسیون و یا طریق دیگر) رسیدگی کنند.

ه - تشکیل سازمان دانشجویی که بتواند جای نشین تشکیلات را در بدین نقشها حد کشف راسیون بلکه همد تمام سازمانهای دانشجویی ضد امپریالیستی باشد، در شرایط کنونی زمینه عملی تشکیل چنین سازمانی وجود ندارد. این سازمان تنها زمانی سازمانی موفق خواهد بود که بتواند سازمانهای توده ای مترقی زیادی را مشتمل سازد. بنابراین نباید با ایجاد نهاد نبال تشکیلات چنین سازمانی رفتار نمود و عمل تنها ماند. کشف راسیون باید در سال آینده هم در رون خود و هم در رون جنبش جهانی دانشجویی ایده ها ایجاد چنین سازمانی را تقویت کند. بدین ترتیب زمان ایجاد این سازمان چندان دور نخواهد بود.

رفقای عزیز! نکات زیر را مورد بحث و مبالغه قرار دهید و چنانچه در باره این نکات و یاد رکن آنها نظرات و پیشنهاداتی دارید، هر چه زود تر با اطلاع سازمان برسانید.

باسلامهای گرم

س. م. ل. ت

سند شماره ۵ دفتر اسناد ضمیمه فصل چهارم

نظر سازمان مارکسیستی لنینیستی توفان در مورد "آی. یو. اس." پس از سقوط آنها به دامان رویزیونیسم شوروی

مندرج در بخش (در کنگره هفتم ۲ تا ۹ ژانویه ۱۹۶۸ و کنگره هشتم ۲۶ تا ۲۸ آوریل ۱۹۶۸ کنفدراسیون مسئله تحقیق در مورد اشتباهات کنفدراسیون در عرصه جهانی مطرح شد)

بخشنامه داخلی در مورد تدارک کنگره نهم و نظریات ما در مورد کنفدراسیون جهانی

بخشنامه

امید است که در مورد کار دانشجویی رفقا به نکات زیر توجه کافی مبذول داشته مفاد آنرا دقیقاً اجرا نمایند:

۱ - پیرو بخشنامه‌های گذشته هر واحد شهری موظف بوده است که به تشکیل "کمیته کار دانشجویی" (در شهرهایی که امکان کمیته از نظر تعداد فوق وجود ندارد، یک نفر عهده‌دار کار دانشجویی می‌شود) همت گماشته و اخبار دانشجویی، نظرات دانشجویان و مسائل مهم سازمان دانشجویی خود را به سازمان گزارش دهند. متأسفانه در این امر کوشش کافی بعمل نیامده و بعضی از رفقا یا توجه کافی به این مسئله نکرده‌اند و یا بهر صورت در اجرای آن غفلت ورزیده‌اند. بدیهی است که رفقا با این یادآوری، از این پس در این امر مهم کوشش بیش‌تری بخرج داده و با فرستادن گزارش در امر کار سازمان ما در میان دانشجویان همکاری بیش‌تری خواهند نمود.

۲ - رژیم محمد رضا شاه اکنون مدتی است که بدنبال تیرباران کردن مبارزان خلق کُرد به یورش شدیدی علیه دانشجویان داخل کشور پرداخته و زندان‌های خود را از آنان پر ساخته است. این موج ترور پس از کوشش برای سرکوبی تظاهرات دانشجویی که از یکسال پیش تاکنون در ایران همچنان ادامه دارد آغاز شده است.

چنانچه رفقا نیز اطلاع دارند رژیم مصمم به محاکمه و اعدام ۸ نفر از دانشجویان دلیر می‌باشد. ما در روزنامه ارگان خود بارها لزوم بسیج دانشجویان خارج از کشور را برای یک مبارزه وسیع و پرحاشیه علیه جنایات اخیر و آشکار ساختن هر چه بیش‌تر چهره واقعی رژیم یادآوری نموده‌ایم. اکنون که کنفدراسیون جهانی طرح چنین مبارزه‌ای را ریخته و وارد مرحله آغاز آن شده است، وظیفه تمام رفقای ماست که عملاً نیز در میدان این مبارزه شایستگی و ایمان بخرج داده و در تبلیغ توده‌ها، تشکل و بسیج آنان برای این مبارزه که مبارزه‌ایست به خاطر آزادی‌های دموکراتیک از هیچ کوششی فروگذار نکنند.

رفقا! در برنامه‌های دفاعی کنفدراسیون شرکت کنید! مبارزات محلی شهر خود را با درایت و فعالیت هر چه تمام‌تر وسعت دهید! ابتکار عمل و مبارزه را در هر جا که هستید به دست بگیرید و با جلب توده‌های دانشجویی به این مبارزه و تقویت آن، اعتماد و علاقه توده‌های دانشجویی را بخود جلب کنید.

۳ - در مورد کنگره نهم کنفدراسیون جمع‌بندی زیر به اطلاع رفقا می‌رسد:

الف - از آنجا که فشار رژیم بر مردم ایران و دانشجویان تشدید یافته و رژیم دست در کار جنایت جدیدی است، طبیعتاً مسئله اتحاد کلیه دانشجویان به منظور مبارزه برای نجات جان قربانیان در مرکز ثقل کار کنفدراسیون و کنگره قرار می‌گیرد. وظیفه عمده کنگره آینده ایجاد روح تفاهم، اتحاد عمیق‌تر و پیوند فشرده‌ترین توده‌های دانشجویی است. هر آنچه که به این امر صدمه زند و جریان کنگره را از این مسیر خارج سازد به ضرر مبارزه واحد و به زیان جنبش دانشجویی و در نتیجه به نفع رژیم می‌باشد. کنگره نهم کنگره مبارزه عموم دانشجویان علیه جنایات رژیم و سازمان امنیت و کنگره ایجاد هر چه بیش‌تر شور مبارزه است.

ب - چنانچه سازمان ما بارها اشاره کرده است یکی از اصول اساسی هر سازمان توده‌ای رجحان کمیت بر کیفیت است. بدین معنا که کنفدراسیون جهانی باید سعی عمده خود را در جهت بسیج تمام توده‌های دانشجویی خارج از کشور (به غیر از وابستگان به رژیم و افراد سازمان امنیت) بنماید، آنها را در سازمان خود متشکل کند و در طول مبارزه آگاهی سیاسی آنان را بالا برد. هر سازمان توده‌ای که به بهانه کسب آگاهی عمیق‌تر اعضای خود، از توجه به توده‌های خارج از سازمان صرف‌نظر نماید، از اکثریت توده‌های دانشجویی جلو افتاده و بدین ترتیب ایزوله می‌گردد. چنین سازمانی دیگر سازمان توده‌ای نخواهد بود.

با توجه به مسائل بالا و این نکته که کنفدراسیون جهانی تاکنون توانسته است تنها مقدار خیلی از دانشجویان خارج از کشور را به دور خود متشکل سازد (و این امر بهانه به دست رویزیونیست‌ها داده است که نه تنها به کنفدراسیون حمله نمایند، بلکه ظاهراً دلیلی "بر نظریه خود مبنی بر غیرانقلابی بودن توده دانشجویی پیدا کنند) تکیه و توجه بلزوم گسترش سازمان‌های دانشجویی در عرض و عمق (ایجاد سازمان‌های دانشجویی در شهرهایی که فاقد آنند و جلب دانشجویان هر چه بیش‌تری به سازمان‌های دانشجویی) عمده‌ترین وظیفه کنگره آینده در مورد وظائف داخلی کنفدراسیون می‌باشد. باید کوشش گردد که این نکته مهم و اساسی در خط‌مشی کنفدراسیون وارد گردد.

ج - در سازمان‌های اخیر راجع به روابط ارگان‌های مختلفه کنفدراسیون، ناهمگونی سازمان‌های دانشجویی، منطبق نبودن بعضی از اشکال تشکیلاتی با احتیاجات کنونی جنبش و بطور کلی مشکلات تشکیلاتی، نظرات گوناگونی وجود دارد. به منظور نتیجه‌گیری صحیح و یافتن راه حل‌های مناسب بجاست که هئیت دبیران موظف گردند در عرض سال آینده به این مسئله (از طریق سمینار، کمیسیون و یا طرق دیگر) رسیدگی کنند.

د - تشکیل سازمان جهانی دانشجویی که بتواند جای‌نشین "ای. یو. اس." گردد باید نه تنها هدف کنفدراسیون، بلکه هدف تمام سازمان‌های دانشجویی ضدامپریالیستی باشد. در شرایط کنونی زمینه عملی تشکیل چنین سازمانی وجود ندارد. این سازمان تنها زمانی سازمانی موفق خواهد بود که بتواند سازمان‌های توده‌ای مترقی زیادی را متشکل سازد. بنابراین نباید با عجله بدنبال تشکیل چنین سازمانی رفت و در عمل تنها ماند. کنفدراسیون باید در سال آینده هم در درون خود و هم در درون جنبش جهانی دانشجویی ایده ایجاد چنین سازمانی را تقویت کند. بدون تردید زمان ایجاد این سازمان چندان دور نخواهد بود.

رفقای عزیز! نکات زیر را مورد بحث و مطالعه قرار دهید و چنانچه در باره این نکات و در کنار آنها نظرات و یا پیشنهاداتی دارید، هر چه زودتر باطالع سازمان برسانید.

با سلام‌های گرم

س. م. ل. ت

